

این بار از طریق ضدانقلابیون افغانی

این موشک که برد آن ۸ کیلومتر است قادر است هلیکوپترها و نیز هواپیماهایی را که در ارتفاع کم پرواز می‌کنند، با استفاده از مکانیسم هدایت به توسط اشعه مادون قرمز بدون خطا مورد هدف قرار دهد. رسیدن این موشکها از طریق ضدانقلابیون افغانی به جمهوری اسلامی خود به اندازه کافی هم برای آمریکا، هم برای جمهوری اسلامی و هم برای اشرار افغانی رسایی برانگیز است. آمریکا انتشار این خبر فضاحت آمیز را در روزنامه‌های غربی مجاز دانست تا فضاحت واقعی بازتاب نیابد. اکنون وانمود می‌شود که سیا بر روی سلاحهای اعطایی به ضدانقلابیون افغانی کنترل نداشته و از همین رو بخشی از این سلاحها از زرادخانه جمهوری اسلامی سردمی آورند. مضحک این است که آمریکا اعلام کرد که بر حسب اتفاق در جریان تصرف سه قایق رزمی جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی موشکهای آمریکایی ناو را از طریق اسرائیل و موشکهای آمریکایی استینگر را از طریق ضدانقلابیون افغانی دریافت کرد. و این همه علاوه بر سلاحهایی است که با از طریق اروپا و یاب به صورت مستقیم از آمریکا به دست جمهوری اسلامی رسانده شد.

در هفته گذشته روزنامه‌های بین‌المللی در غرب، خبر از رسیدن موشک آمریکایی استینگر از طریق ضدانقلابیون افغانی به دست جمهوری اسلامی دادند. جمهوری اسلامی به ازای یک میلیون دلار ۲۰ موشک استینگر از این اشرار خریداری کرده است.

در ماه سپتامبر عبدالوکیل وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان در سازمان ملل از روی جلوه دیگری از وابستگی ضدانقلابیون افغانی به سیا پرده برداشت. وی گفت: ضدانقلابیون در سال جاری ۶۰۰ موشک استینگر از سیا دریافت کرده‌اند.



دوشنبه ۲۷ مهر ۱۳۶۶ برابر ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷
پها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۷۹

تلاش رژیم برای دامن زدن به جنگ و تشنج

در روز یکشنبه هفته گذشته، سه روز پس از این که آمریکا سه قایق رزمی جمهوری اسلامی را به تصرف درآورد، یازدهمین کاروان نفت کش‌های کویتی دارای پرچم نوآر و ستاره، تحت حمایت ناوهای جنگی آمریکا، بدون این که حادثه‌ای پیش آید، از تنگه هرمز گذشتند. چهار روز بعد یعنی در روز پنج‌شنبه از سوی جمهوری اسلامی موشکی به سوی یک نفت کش کویتی دارای پرچم آمریکا، پرتاب شد، البته نه در تنگه هرمز. نفت کش مزبور در بندر الاحمدی کویت مورد اصابت موشکی که محتملاً از قوا شلیک شده است، قرار گرفت. جمهوری اسلامی بدین ترتیب خواست که هم حادثه به تصرف در آمدن سه قایق رزمی خود را تلافی کرده باشد و بدین ترتیب برای ماشین تبلیغاتی خود، خوراک فراهم کند و هم "عقل خود را از دست ندهد." توضیح این که بعد از بقیه در صفحه ۲

سرمایه دارهای ملا و ملاهای سرمایه دار

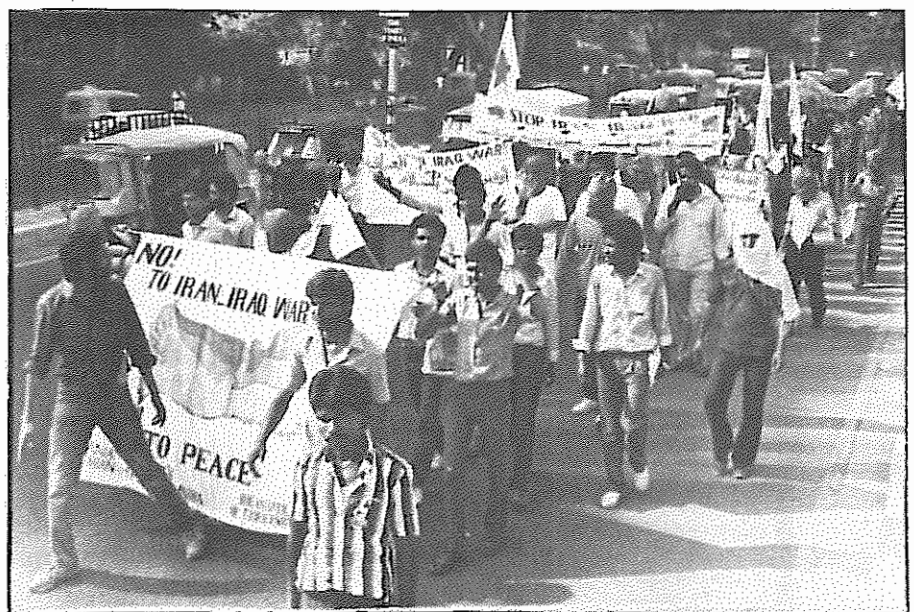
مالکیت برخی از کارخانه‌ها به حوزه‌های علمیه واگذار شده است

وردست خود می‌نشانند. آخوندها نیز به هیات بورژوا درمی‌آیند. بسیاری به نان و نوارسیده‌اند، بر مالکیت کارگاهها و کارخانه‌ها چنگ می‌اندازند و از محدوده بازار و بورس بازی بر روی مستقلات، زمین و اراضی کشاورزی پافرازمی‌نهند. آنچه که اخیراً بر جلوه شده است شرکت مستقیم حوزه‌های علمیه - و نه صرفاً آخوندهای منفردی نفوذ و یا متشکل در بنیادها و صندوق‌های قرض الحسنه - در سرمایه‌گذاری‌ها و چنگ اندازی بر روی واحدهای صنعتی موجود است. دیگر بدان پسند نمی‌شود که بنیاد مستضعفان و نظایر آن بخش مهمی از حاصل دسترنج کارگران را به حساب سران حوزه‌های علمیه واگذار کنند. دولت راسا کارخانه‌هایی را به تملک حوزه‌های علمیه درمی‌آورد. یک نمونه آن است که در کلیشه بریده‌ای از روزنامه کیهان ۱۶ مهرماه بقیه در صفحه ۲

روند درهم‌تنیدگی فقاقت و سرمایه‌داری از خود جلوه‌های متنوعی را به نمایش می‌نهد. حاکمیت فقهاء، حاکمیت سرمایه است. رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی است بورژوازی و تئوکراتیک. بر پایه این گره‌خوردگی در عرصه قدرت است که فقاقت و سرمایه‌داری مدام آمیزی بیشتری می‌یابند و این درهم آمیزی از جمله به صورت ملا شدن بورژواها و بورژوا شدن ملاها، تظاهر پیدا می‌کند. اکنون مدیران تسبیح در دست دارند و آخوندی را نیز

صدها هزار کشته، صدها هزار زخمی

جمهوری اسلامی ننگت باد، مرگت باد!



مندوستان را غرق گرفت.

در مقیمین سالگرد جنگ ارتشهای ایران و عراق
طنین شعارهای ضد جنگ خیابانهای مرکز شهر دلهی نو

در این شماره

- بیانیه ۱۷ سازمان سیاسی در بلژیک علیه جنگ ایران و عراق

در صفحه ۷

- تأمین اجتماعی یا تأمین نابسامانی‌های اجتماعی

در صفحه ۲

- کشتی شکسته کشتی ایران

در صفحه ۶

- نامه رهبران ۱۱ حزب، سازمان و اتحادیه کارگری هند به دبیرکل سازمان ملل و رئیس جنبش عدم تعهد برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق

در صفحه ۸

بقیه در صفحه ۲

تلاش رژیم برای دامن زدن به جنگ و تشنج

بقیه از صفحه اول

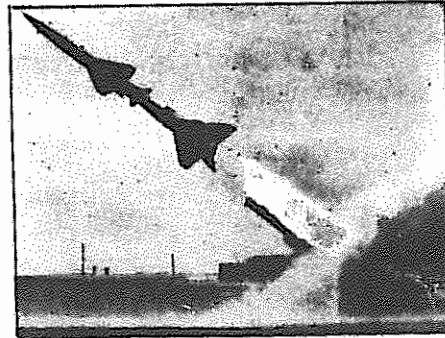
ماجرای برخورد نظامی با آمریکا، خبرنگاران از سعید رجایی، نماینده رژیم در سازمان ملل پرسیدند که آیا جمهوری اسلامی خود را با آمریکا در حال جنگ می بیند. او پاسخ داد: "مگر علقمان را از دست داده ایم؟"

فقه در اینجا علقمان را از دست ندادند، اما اکنون جنگی شان همچنان پابرجاست. آنها در هفته گذشته همچنان به تشنج در خلیج فارس دامن زدند و به استقبال جنگ شهرها رفتند. حمله به دوفت کس لیبرایی - که یکی از آنها در تملک آمریکا بود - و یک نفت کش عربستان سعودی از جمله اقدامات تشنج طلبانه رژیم در خلیج فارس بود.

رژیم با حمله موشکی به بغداد دست به جنایت تازه ای زد. در روز سه شنبه سربین موشک جمهوری اسلامی در عرض ۸ روز، به بغداد اصابت کرد. رژیم مدعی شد که این موشک به ساختمان وزارت دفاع عراق اصابت کرده است. اما آماج این حمله یک مدرسه بود. ۲۲ نفر کشته و ۲۱۸ نفر زخمی شدند. ۲۹ نفر از کشته شدگان را کودکان تشکیل می دادند. عراق پس از این حمله اعلام کرد که دست به

انتقام چوبی خواهد زد و جنگ شهرها - که رژیم خمینی به استقبال آن رفته است - اجتناب ناپذیر است. در هفته گذشته حملات هوایی عراق همچنان ادامه داشت. عراق نیز همانند جمهوری اسلامی یک مدرسه را در لرستان هدف قرار داد.

از جمله هدفهای رژیم برای دامن زدن به جنگ و تشنج، بی اثر گذاشتن دورتازه تلاشهای شورای امنیت سازمان ملل است. هفته گذشته اعلام شد که شورای امنیت بر مبنای قطعنامه ۵۹۸ و با توجه به نتایج مذاکرات دبیرکل سازمان ملل در تهران و بغداد، طرح تازه ای را آماده کرده است. متن طرح هنوز انتشار نیافته، اما گفته شده است که بند اول آن مانند قطعنامه ۵۹۸ بر آتش بس بی قید و شرط تأکید دارد. به جمهوری اسلامی و رژیم عراق دو هفته فرصت داده شده است که نظر خود را در مورد این طرح در اختیار شورای امنیت بگذارند. جمهوری اسلامی مخالف برقراری آتش بس بی قید و شرط است. خامنه ای، رئیس جمهور خمینی در نماز جمعه هفته گذشته مجدداً اعلام کرد که برقراری آتش بس منوط به محکومیت صدام حسین است.



نمونه موشک های زمین به زمین که در حمله به مناطق مسکونی عراق مورد استفاده جمهوری اسلامی قرار می گیرد

موشکهای آمریکایی استینگر:

این بار از طریق ضد انقلابیون افغانی

بقیه از صفحه اول

بی برد کسه رژیم خمینی صاحب موشک استینگر هم شده است و کره آمریکا نمی دانسته است که از طریق ضد انقلابیون افغانی این موشک به دست جمهوری اسلامی می رسد!

آمریکا به این داستان پردازی توسل جسته تا وانمود کند خود عمداً به دست رژیم خمینی اسلحه نمی رساند. واقعیات افشاگر این داستان پردازی هستند. سیا ضد انقلابیون افغانی را کاملاً در جنگ خود دارد. سیا از رابطه

این اشرار با جمهوری اسلامی مطلع است و برای گسترش این رابطه تلاش می کند. سیا بی گمان مطلع بوده است که این اشرار بخشی از سلاحهای دریافتی خود را به رژیم خمینی می فروشند و بی گمان آمریکا این معامله را هدایت می کرده است. از همین روست که معامله تسلیحاتی رژیم خمینی با ضد انقلابیون افغانی اساساً حکم کائنات دیگری برای تدایم معامله تسلیحاتی آمریکا با جمهوری اسلامی را دارد.

صدها هزار کشته، صدها هزار زخمی

جمهوری اسلامی ننگت باد، مرگت باد!

بقیه از صفحه اول

مرگ پر خمینی، زنده باد صلح - جنگ ایران و عراق باید پایان یابد - صدها هزار کشته، صدها هزار زخمی، جمهوری اسلامی ننگت باد، مرگت باد...

سپس سخنرانی هایی علیه جنگ ایراد گردید و سخنرانان جنگ طلبی رژیم فقها را محکوم کرده، پشتیبانی خود را از مبارزات صلح خواهانه مردم ایران و عراق ابراز داشتند.

خبر این تظاهرات در ۶ روزنامه انگلیسی، هندی و اردو زبان درج گردید.

همچنین ۱۹ سازمان شرکت کننده در این حرکت اعتراضی با امضای یک قطعنامه جنگ ایران و عراق را چنانچه فراموش نشدنی نامیده و خواهان قطع بی درنگ آن گردیدند. متن بخشهایی از این قطعنامه در همین شماره نشریه اکثریت به چاپ رسیده است.

فداییان خلق ایران (اکثریت) - هندوستان، سازمان حزب ستوده ایران - هندوستان، فدراسیون دانشجویان هندوستان، فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان و جنبه دمکراتیک دانشجویان سودانی در هندوستان با برپایی یک تظاهرات و گردمایی اعتراضی که در آن نمایندگان و فعالین ۱۵ سازمان جوانان، زنان، دانشجویان و... شرکت داشتند، جلوه های پرشودی از خشم و تنفر بشریت ترقیخواه علیه ادامه جنگ را به نمایش گذاشتند. این تظاهرات با استقبال وسیع مردم مواجه گردید.

تظاهرات کنندگان پس از طی خیابان روزنامه ها (خیابانی که دفاتر روزنامه ها در آن واقع می باشد) در مقابل سفارت جمهوری اسلامی اجتماع کرده، شعارهای زیر را تکرار کردند.

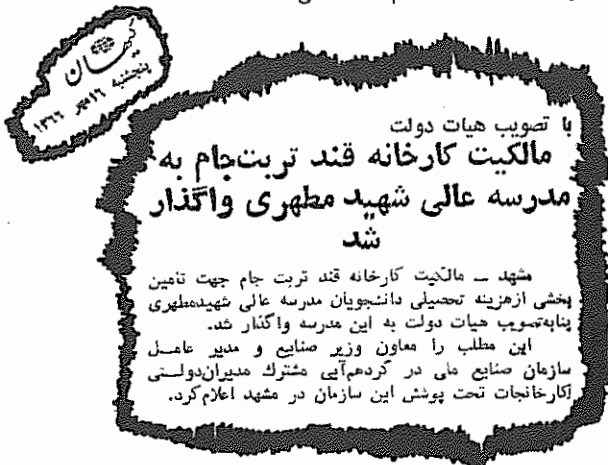
سرمایه دارهای ملال و ملالهای سرمایه دار

مالکیت برخی از کارخانه ها به حوزه های علمیه واگذار شده است

بقیه از صفحه اول

مشهد، علاوه بر ثروتهای کلانی که از پیش در اختیار داشته اند، صاحب دهها کارگاه، کارخانه، تجارتخانه، درمانگاه و بیمارستان، صدها باب مستغلات و مقادیر عظیمی زمینهای کشاورزی شده اند. آنها خود یکی از ارکان سرمایه داری فقامتی را تشکیل می دهند.

می بینید، از سوی دولت کارخانه قند تربت جام به "مدرسه عالی شهید مطهری" و به عبارت روشن تر رکن اصلی حوزه علمیه تهران، واگذار شده است. این نمونه، نمونه کوچکی است. اکنون حوزه های علمیه اصلی همچون حوزه های علمیه قم و



گزارشی از عملکرد سازمان تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی یا تأمین نابسامانی های اجتماعی



مسئولیت مستقیم درمان به عهده وزارت بهداشت است ولی برای بیمه شده ها این پاسخ قابل قبول نیست، چون بیمه شده که پول را به سازمان تأمین اجتماعی می دهد سازمان را مسئول این کار می داند. من این حرفی را که می زنم حرف خودم نیست من نماینده حدود ۷۰۰ کارگر هستم و می داشتم که آنها در این زمینه با چه مشکلاتی درگیر هستند. بطور مثال خانمهای کارگری که زمان زایمان خود رانزدیک می بینند نگران این هستند که این مورد را چگونه از سر خواهند گذراند و یا کارگری که احتیاج به عمل جراحی دارد نمی داند چه کند. بعد از اینکه سازمان تأمین اجتماعی بیمارستانهای خصوصی را هم برای بیمه شدگان مشخص کرده اند باز هم تغییری در وضعیت درمانی مشاهده نکرده ایم.

اصولاً سازمان تأمین اجتماعی با آنکه وظیفه انجام خدمات درمانی را برعهده دارد، در این عرصه کمترین نقشی را برعهده ندارد. غرضی رئیس سازمان تأمین اجتماعی خود نیز به این موضوع معترف است. وی در زمینه مسئله درمان می گوید: "در مورد ساله درمان براساس این سیاست دولت که درمان در اختیار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد و نیز براساس این که قانون سازمان را مکلف می کند که در واقع یک سوم از پرداختها را به وزارت بهداشت بدهد، سازمان تأمین اجتماعی نمی تواند جز یک نظارت عالی به کاری انجام دهد."

تأمین اجتماعی و مستمري

کارنامه سازمان تأمین اجتماعی در زمینه پرداخت مستمري نیز بسیار سیاه است. کاغذبازی، سردوانیدن سرام آور و دست آخر اگر شانس یاری کند، مستمري ناچیز و در غیر اینصورت بقیه در صفحه ۵

دفترچه های بیمه درمانی سازمان تأمین اجتماعی از اعتبار افتاده اند. تاچندی پیش که هیچ بیمارستان و مطبی حاضر به پذیرش "بیمار دفترچه ای" نبود، با "بیماران دفترچه ای" که حاضر به پرداخت پول بودند، معاينه و مداوا می شدند ولی کسانی که آهی در بساطند اشتند پس از مراجعات مکرر به بیمارستانها و مطب های گوناگون بی آنکه نتیجه ای



هنگام ورود هم امیدی نداشت

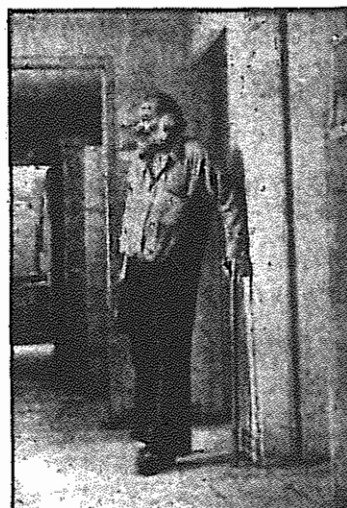
گرفته باشند، باز می گشتند. سازمان تأمین اجتماعی اخیراً چند بیمارستان و مطب را بعنوان بیمارستانها و کلینیکهای "ویژه بیمه شده ها" معرفی کرده است که تفاوتی در وضعیت درمانی بیمه شدگان ایجاد نکرد. حتی پذیرش بیمار بیمه ای نیستند. بعنوان نمونه یکی از مراجعین به یکی از شعبه های تأمین اجتماعی می گوید: "به یکی از بیمارستانهای مخصوص - ویژه بیمه شده ها - مراجعه کرده است برای رادیولوژی ولی در این بیمارستان از گرفتن عکس خودداری کرده و به او گفته اند که باید به جای دیگری مراجعه کند."

نماینده بیمه شرکتی می گوید: "ما مشکلات زیادی در مورد درمان بیمه شده ها داریم. وقتی سازمان از کارگر پول بیمه کم می کند ناگزیر باید بیمارستان هم وجود داشته باشد که در هر شرایطی بیمه شده ها را بپذیرد. کرچه سازمان می گوید که بهر حال

قادر به توجیه آن نمی باشند. همانگونه که پیش از این گفته شد، دامنه عملکرد تأمین اجتماعی تنها به بیمه درمانی و بهداشت محدود نمی شود و جمیع جوانب اقتصادی و سیاسی و اجتماعی زندگی فردی و جمعی مردم را شامل می شود. نیازی نیست تا عملکرد سیاسی و مسئله تأمین امنیت سیاسی افراد و اندیشه ها را مورد توجه قرار دهیم، چرا که زشدهای مملو از زندانیان سیاسی، خونهای برچای مانده بر دیوارهای میدانیهای اعدام، کشت های سرکوب و بی گرد و خود دلایل روشنی بر مضمون عملکرد رژیم در این عرصه بشمار می روند.

تأمین اجتماعی
و مسئله درمان

یک کارگر کفش ملی، "من یک غده چربی در گردنم داشتم که به یکی از بیمارستانهای مخصوص بیمه شده ها مراجعه کردم ولی مرا بستی نکردند و گفتند که باید خون لازم را همراه خودم بهرم تا مرا بستی کنند. آخه من خون از کجا بیاورم؟ بالاخره رفتم و در یک بیمارستان خصوصی عمل کردم. پس این دفترچه به چه درد من می خورد؟ من کلی پول دادم تا این غده را عمل کردم. شاپکوئید، کارگری که ده سرعائله دارد چطور می تواند خرج بیمارستان خصوصی را بدهد..."



۲۸ سال آهنگری کرده ام. ۲۸ سال پتک زده ام. این شوخی نیست. و امروز مثل اینکه روزی ۲۸۰۰۰ پتک برسم می زنند.

نظام ارزشی حاکم بر هر جامعه، بازشناسی مضمون عدالت در مناسبات اجتماعی را عموماً براساس معیارها و شاخص های معینی ارزیابی و سنجش می کند. از آن بین ضربه گردش پول در جامعه و شکل و شیوه توزیع درآمد بین گروه ها، اقشار و طبقات اجتماعی، نحوه ارضا و پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، تحلیل از میزان امنیت فردی - در معنای وسیع کلمه - و امنیت اجتماعی، شکل و میزان خدمات دولتی در عرصه فراگیر و جامع از جمله شاخص های اصلی بازشناسی اجتماعی و تحلیل می گردند. "تأمین اجتماعی" و تحلیل مشخص از آن یک شاخص اصلی بازتابگر نظام ارزشی جامعه است. در زمینه تأمین اجتماعی، در مجموعه جوامع سرمایه داری و برپایه در جوامع از رشد بازمانده ای نظیر ایران، بین آنچه که می نویسند و آنچه که عمل می کنند دره ای عمیق وجود دارد. واقعیات از وعده ها پرور می گریزند. در حالی که نابسامانی و بی عدالتی - در سطح جامع آن - در مناسبات اجتماعی، طبقاتی انباشت می شود، سرمایه پرستان حاکم بر حلاوت وعده هائی که مرکز جامعه عمل نخواهند پوشید، می افزایند. با این مقدمه به گزارش تأمین اجتماعی در کشور نظری بیاوریم و البته نه آنچه که گفته و نوشته اند، بلکه به آنچه که دریافت اجتماعی ثبت شده است، و نیکتر آنکه از زبان مردم.

در تاریخ ۱۲ الی ۱۸ مهرماه هفته همکاری بین المللی تأمین اجتماعی برگزار شد. هدف این مقاله آشکار ساختن تضاد گفته ها و کرده های رژیم جمهوری اسلامی در زمینه تأمین اجتماعی نیست. چه این هدف موضوعیتی ندارد و عملکرد و کارنامه جمهوری اسلامی خود یگانه منبع معتبر و خود افشاگر است.

آنچه موضوعیت دارد، قیاس عین این تضاد و عرضه یک تصویر گویا و مشخص از سازمان تأمین اجتماعی کشور است. روزنامه کیهان در تاریخ ۱۵ الی ۱۸ مهرماه به انتشار سلسله گزارش های پیرامون تأمین اجتماعی پرداخته است. کارنامه سیاه سازمان تأمین اجتماعی - که جزیی از عملکرد عمومی رژیم را تشکیل می دهد، بحدی سنگین است که رسانه های دولتی نیز

مانور جنگ تانکها در تهران

تانکها گلوله‌های واقعی شلیک می‌شد، ارزیابی توان واحدهای زرهی و زمینی سپاه اعلام گردید.

شلیک گلوله‌های واقعی و نمایش جنون آمیز صحنه‌های جنگ، در این روز بخشی از تهران را به چهره جنگ تمام عیار تبدیل کرده بود.

"خاکریز و تجهیزات فرضی عراق در جریان مانور تانکها درهم کوبیده شد و سپاهیان اسلام با نصب پرچم جمهوری اسلامی بر فراز آنها و انجام رژه به مانور خود خاتمه دادند."

هدف از برپایی این نمایش جنگی که در آن عملیات "کربلای ۵" بازسازی شده بود و از سوی

سفر هیات اعزامی اوپک به تهران

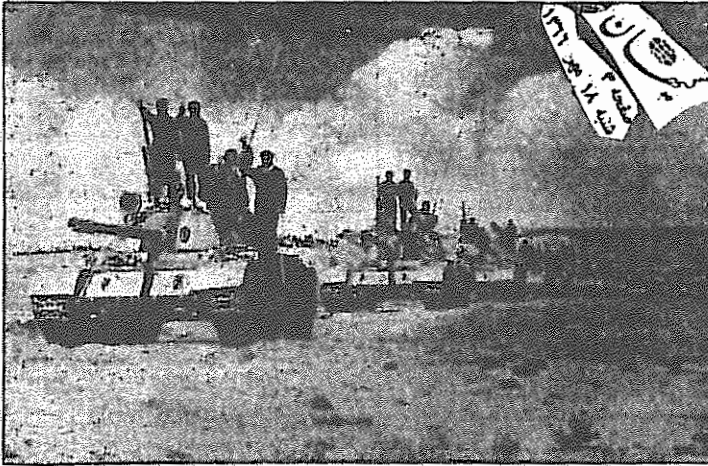
اعضای هیات عالیرتبه کمیته نظارت بر تولید نفت اوپک روز دوشنبه ۲۷ مهر وارد تهران شدند. در تهران ریلوانو لقمان وزیر نفت نیجریه و رئیس سازمان اوپک که سرپرستی هیات اعزامی را عهده دار بود، همراه آقا زاده وزیر نفت و سفیر سه کشور نیجریه، اندونزی و ونزوئلا با خامنه‌ای دیدار و گفتگو کردند.

هیات مزبور، پیش از ورود به تهران از عربستان، کویت، امارات متحد عربی، قطر و عراق دیدار کرده و با رهبران این کشورها به گفتگو نشستند. هیات اعزامی در دیدارهای خود، پیرامون تخلف اعضا از نظام سهمیه بندی و طرح یک موافقتنامه جدید که قرار است پیش نویس آن برای تصویب به اجلاس آتی وزرای کشورهای عضو اوپک ارائه شود، مذاکره کردند.

مطابق طرح پیشنهادی، سقف تولید نفت اوپک و بهای پایه آن در اجلاس آینده وزرای نفت که قرار است در ماه دسامبر سال جاری برگزار شود، تغییر می‌یابد.

رئیس نیجریه‌ای اوپک معتقد است که بر سر کسب توافق در اجلاس آتی اوپک موانعی وجود دارد که بدون رفع آنها مشکلات اوپک بیشتر خواهد شد. از جمله در اجلاس سیتامبر گذشته عراق تعیین سهمیه‌ای کمتر از ایران را برای خود رد کرده و پیمان محدودسازی تولید نفت خام اوپک و بهای مجده دلاری برای هر بشکه را امضا نکرده است. این پیمان در پایان ماه دسامبر منقضی می‌شود و جمهوری اسلامی از هم اکنون برای گنجانیدن عراق در پیمان کارتل تلاش می‌کند و با واگذاری سهمیه آزاد برای عراق مخالف است. از سوی دیگر عراق بارها اندازی دو خط لوله جدید توان صدور نفت خود را افزایش داده و خود را برای صدور هرچه بیشتر نفت آماده کرده است.

مانور بزرگ جنگ تانکها با گلوله‌های واقعی در نزدیکی تهران برگزار شد



۲ تن از همدستان مهدی هاشمی اعدام شدند

شدند و حکم صادره از سوی دادگاه روحانیون، روز چهارشنبه ۱۵ مهرماه در زندان اوین به اجرا درآمد.

خود مهدی هاشمی هفته گذشته اعدام شده بود.

به حکم دادگاه ویژه روحانیت ۲ تن از وابستگان گروه مهدی هاشمی به نامهای محمد کاظم زاده و رضامردی به اتهام مشارکت در قتل ۲ نفر از مخالفین گروه مهدی هاشمی به اعدام محکوم

در تهران، مشهد، ساری و چندین شهر کشور سیل جاری شد

طی هفته گذشته بر اثر ریزش برف و باران همراه با طوفان، در برخی نقاط کشور سیل جاری شد و خسارات زیادی به بار آورد.

در تهران، رکهار سیل آسا در فاصله کمتر از چند دقیقه به سیل عظیمی بدل شد و با حرکت از شمال شرقی شهر به جنوب شرقی، بر سر مسیر خود ویرانی سنگینی به بار آورد. محلات فقیرنشین افسریه و خاوران و چند ده خیابان را آب فرا گرفت، برخی پلها فرو ریخت و عبور و مرور متوقف گردید. همچنین راهروی زیرزمینی میدان تجریش که در جریان سیل تاپستان گذشته (مردادماه) تخریب شده بود، مجدداً بر اثر جاری شدن سیل به زیر آب رفت و سیلاب به طرف منازل و مغازه‌های تخریب شده قهلی سرازیر شد. مردم سراسیمه در پی پناه بودند و تهران سیمای هنگامه سیل در مردادماه گذشته را داشت که در جریان آن چند هزار تن جان خود را از دست داده بودند.

در هشتگرد آب وارد منازل مسکونی شد و در سنجند سیستم برق رسانی آسیب دید و برق شهر قطع گردید. در لنگرود با طغیان رودخانه‌ها بخش عظیمی

جمع آوری امضای ایجاد داروخانه



سود اگر آن مرگ در کمین کودکان

چندی پیش یک پسر بچه و یک دختر بچه ۶ تا ۷ ساله در بندر عباس مفقود الاثر شدند. خانواده آنها مامورین دولتی را در جریان امر قرار دادند، اما برای پیدا کردن آنها اقدامی جدی صورت نگرفت. پس از ۶ ماه با مراجعه پسر بچه گمشده به پلیس ایندو کودک را در زاهدان پیدا کردند. طبق تعریف پسر بچه گمشده افراد یک هاند آنها را ربوده، به زاهدان بردند و برای مدتی در یک خانه محبوس کردند. طی این مدت آنها را معتاد و وادار به گداپی می کردند.

ایستادگی در مقابل اعزام اجباری به جبهه

نقشه اعزام اجباری کارکنان بیمارستان امداد اوز از طریق قرعه کشی با شکست مقتضایه ای روبرو شد. افرادی که به اساس قرعه کشی ملزم به رفتن به جبهه بودند می بایست خود را به ستاد پشتیبانی جنگ مستقر در "لار" معرفی کنند. اما در روز موعود غیر از دو نفر هیچکس در محل حاضر نگردید. کارکنان بیمارستان می گفتند چرا باید مفت خودمان را به کشتن بدهیم. اگر قرار باشد به جبهه برویم، همگی استعفا می دهیم. در مقابل ایستادگی یکپارچه کارکنان بیمارستان، بهداری لارستان با استناد اری تماس برقرار می کند و موضوع را با آنها در میان می نهد. مقامات استانداری مجبور به پذیرش لغو اعزام اجباری کارکنان بیمارستان می گردند. لازم به ذکر است که قبل از آن کارکنان بیمارستان لار نیز از رفتن اعزام به جبهه سر باز زدند.

خبرهایی کوتاه از میان نامه ها و گزارش ها

در بخش سپهر یک

مدتی پیش در روستای کروک که یکی از روستاهای پرجمعیت بخش سیریک است، شعاری با مضمون "مرگ پر خمینی، ما جنگ نمی خواهیم، زنده باد صلح" نوشته شد. سپاه پس از اطلاع از موضوع مزدوران خود را به آنجا گسیل کرد. مزدوران سپاه روستا را به محاصره در آوردند و بسیاری از اهالی را مورد بازجویی قرار دادند. از آن پس تاکنون افراد سپاه همه شب در کوچه های روستا کشیک می دهند.

قصابی چماران

در بندر عباس شخصی اقدام به کشتایش یک مغازه قصابی کرد و بر آن نام "قصابی چماران" نهاد. وی مدتی با همین نام کسب و کار خود را ادامه داد. اما پس از اطلاع ماموران شهرداری و سپاه، قصابی شخص مذکور را به سبب رقابت صنفی با راهبر انقلاب اسلامی تعطیل کردند.

آوردن ثمرات برای مراسم روز قدس

روز قدس حجت الاسلام برهه ای نماینده سابق خمینی در کوبیت طی سفرانی خود در مراسم نماز جمعه "اوز"، مردم این شهر را بخاطر عدم شرکت در مراسم روز قدس مورد تنکوش قرار داد. وی گفت: اکثر می فهمیدم مردم در تظاهرات شرکت نمی کنند از قیر و کارزین ثمرات می آوردم. این سخنان بازیشخند بسیاری از حاضرین مواجه شد.

از محلات حاشیه ای را آب فرا گرفت و ۳۰ روستای مازندران از جمله روستاهای مناطق نکا، قائم شهر، بابل، بهشهر و... در محاصره آب قرار گرفتند. در بسیاری از این مناطق به بهانه اینکه امکانات امداد رسانی وزارت کشور و شهرداری ها در جبهه هستند کمکی به مردم ارائه نشد. در تهران تنها یک بلدوز در مقابل دفتر شهرداری منطقه ۲۰ به چشم می خورد.

پلیس فرانسه هواپیمای جمهوری اسلامی

را متوقف کرد

روز ۷ مهر یک هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ "ایران ایر" که از تهران عازم لندن بود در فرودگاه "اورلی" پاریس متوقف شد. به گزارش رویتر، مخالفت با پرواز "ایران ایر" توسط پلیس فرودگاه بر اثر سوختن آنان در مورد وجود اشیاء مشکوک در هواپیما صورت گرفت. پاسداران و کارکنان ایران ایر با بازرسی هواپیما مخالفت کردند ولی پلیس فرانسه با شدت عمل به بازرسی آن پرداخت و به هیاهوی ماموران جمهوری اسلامی واقعی نگذاشت. مقامات فرودگاه اورلی پاریس گفتند تجسس هواپیمای در حال ترافیک به ندرت صورت می گیرد ولی آنان حق دارند هواپیمای جمهوری اسلامی را بازرسی کنند. ۱۹۱ مسافر ایران ایر پس از ۵ ساعت تاخیر و کسب اجازه صدور پرواز، پاریس را ترک کردند.

سوئد:

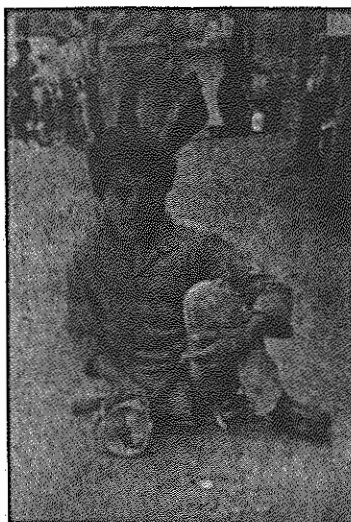
جنگ ایران و عراق را قطع کنید

روز چهارم مهرماه در شهر "لولو" از سوی کمیته سوئدی صلح و دموکراسی در ایران و عراق تظاهراتی علیه جنگ ایران و عراق صورت گرفت. تظاهرکنندگان که در مرکز شهر گرد آمده بودند با پخش یک اعلامیه که چندبار متن آن از طریق بلندگو قرائت گردید، مردم لولو را به حمایت فعال از مبارزات مردم ایران و عراق در راه صلح و دموکراسی فراخواندند.

تظاهرات برپاشده از سوی "کمیته سوئدی صلح و دموکراسی در ایران" در شهر "لولو" با استقبال و ابراز همبستگی شهروندان سوئدی مواجه گشت.

در روز ۳۱ شهریور همزمان با آغاز شصتین سال جنگ نیز تظاهرات مشابهی در شهر "کیرونا" برگزار شده بود که شعار مرکزی آن قطع جنگ و برقراری صلح میان ایران و عراق بود. این تظاهرات از مرکز شهر شروع و با طی مسافتی تا "خانه مردم" پایان یافت. در تظاهرات مذکور قطعنامه ای علیه جنگ تصویب و خوانده شد.

تأمین اجتماعی یا تأمین نابسامانی های اجتماعی



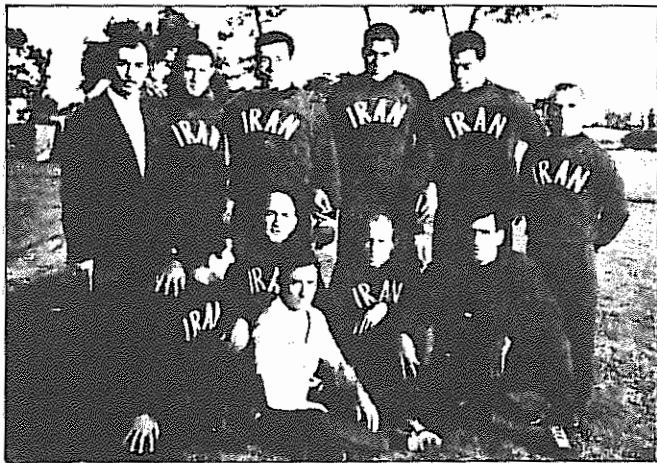
مردم و "تأمین اجتماعی" در جمهوری اسلامی

باید از کار در بهوم ۲۸ سال آهنگری کرده ام، ۲۸ سال پتک زده ام، شوخی نیست و امروز مثل اینکه روزی ۲۸۰۰ پتک بر سرم می ژوند. *

بزرگش را روی میز می گذارد تا بخشی از سنگینی میکل خود را از پاهایش به میز منتقل کند و بتواند بایستد. پا هرکله ای که از دهانش بیرون می آید، دانه های عرق از میان موهای سفیدش به پهنای صورت آفتاب خورده اش سرازیر می شود. برای رسیدگی به مساله ای که دارد پرونده ای قطور زیر بغل دارد که پر از نامه های مختلف و نظرات پزشکان است. او به دفترچه ای که زیر بغل دارد اشاره می کند و می گوید: "دکترهای متخصص می گویند که دیگر نباید کار کنم چون پاهایم توان ندارند و از کار افتاده اند ولی پزشک کمیسیون نظر پزشک متخصص را قبول ندارد، ۲۸ سال است که کار فنی می کنم. الان دو سال است که پاهایم درد گرفته، پاهایم از زانو توان ندارد و الان بیشتر از ۵ ماه است در رفت و آمد هستم. بالاخره مرا به کمیسیون فرستادند ولی کمیسیون تشخیص داده است که من سالمم. چرا

بقیه از صفحه ۲
هیچ. اساس پرداخت مستمیری را بر سابقه کار نهاده اند و این در حالی است که همگان بخوبی می دانند کارفرمایان در گذشته و نیز حال برای عدم پرداخت حق بیمه، هیچگونه مدرکی که دال بر اشتغال کارگر باشد در اختیار کارگران قرار نمی دادند و بسیاری از کارگران کشور با این مساله مواجه بوده اند. در مورد عملکرد ساوتمان تأمین اجتماعی در عرصه پرداخت مستمیری از کارافتادگی، بازنشستگی و یا مستمیری به بازمندگان کافی است تنها به گوشه ای از گزارش روزنامه دولتی کیهان استناد چوئیم.
"صدای دردمدش در راهروی تنگ یکی از شعبه های سازمان تأمین اجتماعی می پیچد... من بخاطر وزن و بچه هایم به اینجا می آیم و می روم، گدایی که نمی کنم، حق را می خواهم." صاحب صداهیکل تنومندی دارد که با عصای دستش تنمادی دردآور را به چشم می کشد. وقتی حرف می ژوند دستان

کشتی شکسته کشتی ایران



تیم اعزامی ایران به مسابقات جهانی یوکوهاما ۱۹۶۱ پاکسب پنج مدال طلا، یک نقره یک برنز به مقام قهرمانی جهان دست یافت. از چپ به راست ایستاده: محمد خادم دبیر وقت فدراسیون کشتی، صنعتکاران، حسین نوری، مهدی زاده، غلامرضا تختی، سلطان‌نژاد.

نفرات نشسته از چپ: حمید توکلی، حبیب الله بهلور (مربی تیم) رحمت غفوریان (داور)، سیف پور و حبیبی

سطح بین‌المللی داشته باشیم. تنها واقع‌بینی ما باعث حفظ ارزشهای ما خواهد شد.

واقع‌بینی جمهوری اسلامی برای برون‌رفت از بحران

به معنای محرومیت هر چه پیشتر ورزشکاران و نابودی ورزش کشور است. و در این راستا بازم بر ضوابط ارتجاعی گذشته می‌افزاید و در کمیته برون‌مرزی که نمایندگان وزارت امور خارجه و ساواک اسلامی در آنجا مسئول تأیید "صلاحیت سیاسی و اسلامی" هستند، کنترل ورزشکاران حتی در خارج از کشور و در داخل میادین ورزشی را نیز بر عهده خود می‌افزاید.

"واقع‌بینی" رژیم بدین معناست که بودجه ۲۵ هزار تومانی فدراسیون کشتی کیلان را نیز قطع کنند و آن رمانند فدراسیون کشتی اصفهان بدون تشک و بودجه سازند تا ورزشکاران و مربیان کیلان نیز مانند لرستانی‌ها "پارگی" تشک کشتی ده ساله و فرسوده خود را به کمک کارگران بدوزند و جمهوری اسلامی را در این شرایط کسر بودجه و هزینه‌ای سنگین جنگ در مضیقه قرار ندهند و بدانند که جمهوری اسلامی اگر بتواند از بودجه جنگ صرفه‌جویی کند، برروال همان "واقع‌بینی" کاری خواهد کرد که دیگر مربی فرنگی کار استان تهران در مصاحبه با کیهان نکوید "ما حتی چهار ماه است که در تالار تمرینی ورزشگاه شیرودی (امجدیه) آب گرم نداریم و کشتی‌گیران با هزینه‌های شخصی به حمام می‌روند" •

مسابقات با اهمیت برای جمهوری اسلامی شرکت نکرده‌اند؟

مشارکت، رسالت، بیش از آنکه متوجه رژیم باشد، تهدید علیه ورزشکاران بود.

تأثیر سیاست مخرب رژیم به رکود و ناکامیهای بی‌دری می‌منجر شد و آنچه که طی ۴۰ سال، پیش‌کوتان ورزش کشتی با اهمیت و تلاش بی‌وقفه خود در صحنه ورزش ایران و جهان کسب کرده بودند، بدست جمهوری اسلامی از بین رفت.

کشتی ایران که به‌همت قهرمانانی چون تختی در یوکوهاما و منچستر و سایر میدان‌های ورزشی در صدر قرار داشت اینک بعنوان "تیم درجه ۲" ارزیابی می‌گردد.

برای جمهوری اسلامی آنچه که مهم است، پاسداری از آئین خرافه و چهل و تفکر قرون وسطایی است. رژیم صریحاً اعلام می‌کند هر چه مخالف "ثقلات" اسلامی، ضوابطی برقرار باشد علیه آن ضوابط ورزش و ورزشکاران ایران را از حضور در آن میادین محروم خواهد ساخت. درگاهی رئیس تربیت بدنی در خرداد ماه سال جاری در مصاحبه با کیهان با ابراز نگرانی از حضور زنان در مجامع ورزشی و "قضاوت" آنان در مسابقات ورزشی می‌گوید، در جهان غرب مسابقات کشتی را بعضاً زنان داوری می‌کنند اگر روزی قرار باشد مسابقات جهانی و بین‌المللی را هم زنان داوری کنند مسلماً مادر کشتی با این بحران مواجه خواهیم بود...

به حال ما باید انتظار آینده خطرناک‌تری برای حضور ورزشکاران مان در مسابقات فرانسه نیز تازمان به صدا درآمدن سوت بازیها، تنها به ارسال یک تلکس اعلام آمادگی بسنده کردند تا بدینوسیله بتوانند از اقدام به اعراض کشتی‌گران و ترک اردوی تدارکاتی جلوگیری کنند. با شروع بازیها مطبوعات جمهوری اسلامی به بهانه اینکه به ورزشکاران ایرانی از طرف فرانسه ویزا داده نشده است تلاش کردند سیاست رژیم را پرده‌پوشی کنند ولی مسئولین ورزشی فرانسه ضمن رد ادعای مطبوعات و مسئولان جمهوری اسلامی، اعلام کردند که تازمان برگزار می‌مسابقات هیچ گونه درخواستی از طرف ایران جهت رفع مشکل روادید صورت نگرفته و اصولاً با توجه به دعوتنامه رسمی فدراسیون کشتی‌گیران ایران نیازی به روادیدنداشتند.

عدم حضور در مسابقات فرانسه موجب گردید، ۷ داور کشتی از ایران نیز که به عنوان داوران بین‌المللی شناخته شده بودند از "قضاوت" بازیها و راهیابی به جمع داوران بازیهای المپیک ۸۸ که در سئول کره برگزار می‌شود، محروم گردند. بنا به تصمیم فدراسیون جهانی کشتی، قرار بر این بود که در صورت شرکت داوران ایرانی در بازیهای فرانسه، سه تن از آنان برای قضاوت بازیهای المپیک سئول انتخاب شوند.

جمهوری اسلامی حتی با ایتکار ۷ تن از داوران ایرانی که تصمیم گرفته بودند بازمینه شخصی خود را به فرانسه بفرستند مخالفت کرد. سیاستی که خود بر آن "سیاست پلانکلیفی" نام نهاده‌اند و عدم حضور در میادین بین‌المللی موجب گردید تیم کشتی ایران از لحاظ کمی و کیفی و آشنایی با قوانین جدید کشتی چنان افت کند که فدراسیون کشتی جهانی (فیلا)، رسماً تیم ایران را فاقد ارزش‌های درجه اول بین‌المللی تلقی کند و آن را تیم درجه ۲ بنامد و از برگزاری مسابقات جهانی ۲۲ بهمن جلوگیری کند. سیر نزولی و رکود کشتی، کار راه‌چایی رساند که روزنامه رسالت نیز زبان اعتراف و گلازاری کشور و با اشاره به مسابقات ۲۲ بهمن که در بندر عباس برگزار شد نوشت، "چرا کیفیت مسابقات اینقدر پایین است؟ که، نه تنها ورزشکاران شوروی، لهستان، ترکیه بلکه افرادی از تیم ملی خود ایران نیز در این

هیچ فرصه‌ای در کشور ما از کژند و بیرانگری‌های رژیم خمینی در امان نمانده است. در این راستا ورزش کشتی سابقاً پرتوان ایران نیز کشتی درهم شکسته شده‌ای را مانده شده است که خود آئینه‌ای است از عملکرد عمومی رژیم در پهنه میهن. گزارشی داریم از وضعیت کنونی ورزش کشتی در ایران.

روز ۱۸ مهر، اعضای کاروان ورزشی تیم کشتی فرنگی و آزاد ایران برای شرکت در مسابقات قهرمانی کشتی آسیا راهی هند شدند. از آنجا که تصمیم به حضور در مسابقات هندوستان ناروشن بود، در نتیجه باتأخیر در تدارک برنامه سفر، عده‌ای از کشتی‌گیران، داوران خبرنگاران و جمع دیگری از هیات سرپرستی کشتی از همراهی تیم اعزامی بازماندند.

در مصاحبه با کیهان ورزشی، سوخته‌سراییی از چهره‌های بنام ورزش کشتی با بیان وضع خود، برخورد جمهوری اسلامی با کشتی را تشریح کرد و گفت، "اگر کشتی می‌خواهند باید همه چیز مرتب و منظم باشد... ولی اجازه نمی‌دهند در مسابقات جهانی و المپیک شرکت کنیم. بعد از انقلاب تاکنون شش دوره از شرکت در مسابقات جهانی و المپیک محروم بودیم". منظور وی از شش دوره، غیبت‌های متوالی تیم ملی کشتی از بازیهای المپیک مسکو، لوس آنجلس - آمریکا، بازیهای جهانی سال ۸۲، قهرمانی کشتی جهان در بوداپست که در سال ۸۶ برگزار شد و همین اواخر محرومیت ورزشکاران ایرانی از شرکت در مسابقات جهانی کلمونت فرانسه است.

این بازیها در خردادماه سال جاری برگزار گردید. تیم ایران نیز از سوی فدراسیون کشتی فرانسه و از طرف فدراسیون جهانی کشتی (فیلا) برای شرکت در این بازیها دعوت شده بود. مسئولان جمهوری اسلامی از آنجا که نمی‌خواستند اعضای تیم ایران در مسابقات کلمونت حضور یابند آگاهانه "سیاست پلانکلیفی" را تازمان آغاز بازیها در پیش گرفتند. سیاستی که تاکنون بارها به اشکال مختلف باهدف جلوگیری از خروج ورزشکاران از کشور، بکار بسته شده است. برای

بیانیه ۱۷ سازمان سیاسی در بلژیک علیه جنگ ایران و عراق

- روز شنبه سوم اکتبر برابر با یازدهم مهرماه، همچون سالهای گذشته در بلژیک، جشنی در بزرگداشت صلح برپا گردید. این جشن توسط دو سازمان مدافع صلح بنامهای *UNITED FOR PEACE* و *UNITED FOR PEACE* و با شرکت شمار زیادی از احزاب، سازمانها و نهادهای صلحدوست و مترقی سازماندهی شده بود.
- از جمله شرکت کنندگان در این جشن فداییان خلق در بلژیک بودند که با برپایی میز مطبوعاتی و توزیع نشریات و اعلامیه‌هایی به زبانهای فارسی و فرانسوی به افشاکاری علیه جنون جنگ طلبی رژیم خمینی پرداختند.
- مفده حزب سازمان شرکت کننده در جشن صلح با امضای متن اعتراضیه‌ای علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق خواهان اجرای موارد چهارگانه زیر شدند،
- برقراری آتش‌بس فوری و قطع جنگ.
- بازگشت نیروهای نظامی دوطرف به مرزهای بین‌المللی.
- اجرای بیدرتک قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد.
- خارج شدن نیروهای آمریکا و متحدینش از خلیج فارس.
- اسامی امضاکنندگان اعتراضیه به قرار زیر است:
- ۱ - حزب کمونیست بلژیک - بروکسل
 - ۲ - حزب کمونیست یونان - بلژیک
 - ۳ - حزب کمونیست سوئدان - بلژیک
 - ۴ - سازمان جوانان کمونیست - بلژیک
 - ۵ - جنبش کمونیست‌های بلژیک
 - ۶ - سازمان جوانان کمونیست - بلژیکی
 - ۷ - کمیته دفاع از صلح در بلژیک
 - ۸ - جنبش جوانان کمونیست - بلژیک
 - ۹ - جبهه آزادیبخش ملی کردستان ترکیه - بلژیک
 - ۱۰ - اتحادیه کارگران ترک - بلژیک
 - ۱۱ - اتحادیه کارگران کرد - بلژیک
 - ۱۲ - اتحادیه پیشگامان در بلژیک
 - ۱۳ - دبیر کمیته اروپایی آمریکای لاتین (بلژیک)
 - ۱۴ - دبیر کمیته بلژیکی دفاع از افغانستان در بلژیک
 - ۱۵ - انجمن بلژیک ویتنام
 - ۱۶ - انجمن بلژیک و شوروی
 - ۱۷ - رئیس طبع و نشر علمی، فرهنگی و سیاسی در بلژیک •



عکس بالا صحنه‌ای از راهپیمایی گروهی از ایرانیان مقیم اسلویا تخته نروز را نشان می‌دهد. این راهپیمایی به مناسبت سالگرد جنگ ویرانگر ایران و عراق و در اعتراض به ادامه آن برگزار شد.

بسیاری از نروژی‌ها در همبستگی با راهپیمایان بر ضرورت قطع فوری جنگ تاکید کردند •

قسمت‌هایی از

قطعنامه تظاهرات ضد جنگ در هلند و استان

"ما احزاب و سازمانهای شرکت کننده در تظاهرات ضد جنگ از دولت‌های ایران و عراق می‌خواهیم که به جنگ ویرانگر ایران و عراق که برای ۷ سال ادامه داشته، فوراً خاتمه دهند..."

"جنگ ۷ ساله ایران و عراق بیش از یک میلیون کشته، هشتصد هزار اسیر جنگی، صدهزار معلول و مجروح و میلیاردها (دلار) خسارت بر جا گذاشته است. مردم دنیا پاره‌ها شاهد اقدام چنانیکارانه به‌مباران مناطق مسکونی توسط دو کشور مزبور بوده‌اند. مبارزات صلح خواهانه مردم ایران و عراق توسط این دورژیم به شدت سرکوب می‌شود..."

"چنان ترقیخواه هرگز چنین جنایاتی را فراموش نمی‌کند. ما شرکت کنندگان در این تظاهرات همبستگی خود را با مبارزات مردم صلحدوست و آزادیخواه ایران و عراق اعلام می‌کنیم و حمایت خود را با نبرد عادلانه‌شان برای خاتمه بیدرتک این جنگ بی‌معنی و ویرانگر اعلام می‌کنیم."

— فدراسیون دانشجویان هلند

— فدراسیون سراسری دانشجویان هلند

— فدراسیون جوانان دمکراتیک هلند

— فدراسیون سراسری جوانان هلند

— کنکره جوانان هلند (اینیدیرا)

— جبهه دمکراتیک دانشجویان سوئانی در هلند

— جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

— سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان - هلند

— شورای دانشجویان یمنی - هلند

— جوانان چانانا

— فدراسیون ملی زنان هلند

— مرکز اتحادیه‌های کارگری هلند

— کنکره اتحادیه سراسری کارگران هلند

— انجمن دمکراتیک زنان هلند

— فدراسیون کارکنان روزنامه‌ها - هلند

— فدائیان خلق ایران (اکثریت) - هلند

— سازمان حزب توده ایران - هلند

— اتحادیه عمومی دانشجویان عراقی - هلند

— هلوک سراسری پیشرو هلند •

هلند



ایران برای استقرار صلح و دمکراسی در میهنمان دعوت کردند.

این عکس از روزنامه حقیقت ارگان حزب کمونیست هلند مورخ پنجم اکتبر (۱۳ مهر) گرفته شده است •

عکسی که مشاهده می‌کنید گروهی از اعضای انجمن پناهندگان ایرانی در هلند را نشان می‌دهد که با پراه انداختن یک کاروان دوچرخه‌سواری علیه جنگ ایران و عراق، مردم این کشور را به دفاع از مبارزه مردم

نامه رهبران (حزب، سازمان و اتحادیه کارگری هند به دبیرکل سازمان ملل و رئیس جنبش عدم تعهد برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق

عالیجناب، خاورپرز و کوئینار، دبیرکل سازمان ملل متحد-نیویورک
عالیجناب، رابرت موکابه، رئیس جنبش عدم تعهد
عالیجنابان،

ما سازمان ها و احزاب هندی اعضا کننده، از طرف مردم صلح دوست
کشورمان و از جانب میلیونها مردم ترقیخواه جهان ضمن پشتیبانی از اقدامات
اخیر سازمان ملل و شورای امنیت می خواهیم باز دیگر نظر شمار نسبت به صدها
هزار کشته، میلیونها زخمی، ناقص العضو و کشته و میلیاردها دلار خسارت
اقتصادی جنگ بی معنی ۷ ساله ایران و عراق جلب کنیم. مردم هر دو کشور
قربانیان اصلی این جنگ اند. همزمان ادامه این جنگ منجر به افزایش تشنج
در خلیج فارس و حضور نظامی کشورهای غربی بویژه ایالات متحده آمریکا در
منطقه شده است. در نتیجه صلح در منطقه اقیانوس هند به مخاطره افتاده است.
عالیجنابان،

نه تنها مردم ایران و عراق بلکه مردم جهان خواستار زندگی صلح آمیزند.
ما از شما تقاضا می کنیم که از موقعیت ممتازتان برای برقراری آتش بس
بین ایران و عراق استفاده کنید. نیروهای دو طرف باید به مرزهای قانونی
بازگردند و اختلافات بین دو کشور در پشت میز مذاکره پایان یابد.

دای. م. اس. نامودیرپهاد، دبیرکل حزب کمونیست هند (مارکسیست)
-م. فاروقی، دبیرکل شورای ملی حزب کمونیست هند.

-ب. چودری، دبیر حزب سوسیالیست انقلابی
-د. د. شاستری، دبیر بلوک پیشرو سراسری هند

-ی. سیلوا، دبیرکل حزب چائاتانا
-د. گروسمی، از حزب آسام

-ب. ر. چندرا، دبیرکل سازمان صلح و همبستگی هند

-ش. پ. دهاچی، عضو سابق پارلمان و رئیس سراسری مبارزین راه
استقلال هند

-اجمل اجملی، رئیس انجمن نویسندگان مترقی ایلالت مرکزی (دهلی)
-همی داجی، دبیرکل کلنگره سراسری اتحادیه های کارگری هندوستان

-ب. ک. گلکالی، دبیر مرکز اتحادیه های کارگری هندوستان

آلمان فدرال

روز ۱۹ سپتامبر (۲۸ شهریور) فداییان خلق در شهر زیگن-آلمان فدرال با
برپایی میز کتاب و نشریه در جشن بزرگداشت صلح به افشاکاری علیه سیاستهای
جنگ افروزان و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی پرداختند.

در جشن صلح شهر زیگن، نمایندگان و فعالین نیروهای مترقی و صلح دوست
آلمانی منجمله حزب کمونیست آلمان، سازمان جوانان سوسیالیست آلمان،
حزب سبزها، گروه صلح، صلح سبز، انجمن پناهندگان زیگن و... حضور داشتند.
عکس صحنه ای از جشن را نشان می دهد



نوحش و ردالت اندیشه و عمل

فتوی و دستورالعمل زیر از سوی ارکان عقیدتی سیاسی نیروی هوایی ارتش
جمهوری اسلامی در مورد کسانی که در ماه رمضان اقدام به روزه خواری می کنند
صادر شده است.

بسمه تعالی

کسیکه در ماه مبارک رمضان از روی عدم اعتقاد روزه نگذارد، لازم است طبق صلاح و سداد شرع توبه کند (بازماند)
شخصی که بگردد توبه کرده اگر با مردم بدون عذر (شرعی) از روی عدم اعتقاد روزه نگذارد و توبه کرده و روزه
که با مردم از روی عدم اعتقاد روزه نگذارد، یعنی روزه نگذارد و بعد از توبه واجب است توبه نکند.
اگر شخصی اعتقاد نداشته (روزه بخوار) اعتقاد روزه خواری و محال و محال بندها را اول آورده و قتل میرسانند
مشروط بر اینکه برطرف، اسلامی متولد شده باشد ۲۰
ولی در صورتیکه و لا یتش بر غیر طریقت اسلامی باشد (یعنی اعتقاد نداشته اش در احوال اسلام یکی از والدین اینساندا)
وی را توبه میدهند.
پس اگر توبه نمودارکنانه وی میگردد غیر انصورت وی را بقتل میرسانند. لازم بیادآوری است که حکم مذکور در
صورتی است که مرتکب افطار (روزه خوردن) مرتکب شود و اگر از روی فعل مزبور باشد چه مرتد فطری باشد چه ملی.
اورا هرگز نکند بلکه حکم این است که وی را حبس نموده و در اوقات سه گانه نماز حاضر کرده و توبه اش دهنده اگر
قبول نموده که مطلوب حاصل است و غیر این صورت اورا زندان و ابر بخت و ابر بخت ادامه دهنده که وی نایب شود
یا موت گردد. ۳
کتاب صوم لعمده شیخ ابوالحسن جمال الحسن تاریخ شهادت ۷۸۶ هـ ق
و کتاب صوم عروة الوثقی حضرت امام خمینی

عقیدتی سیاسی که ش
نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی

۱. مقصود از استنحال افطار این است که عقیده اش بر این باشد که افطار حلال است و اساساً "به روزه و اساساً در ماه
مبارک می رسد اعتقاد به استنحال افطار بر این عقیده از طریق افراط و تفریط حاصل میشود.
۲. ناگفته نماند نظر مسأله حضرت امام در عروة الوثقی در رابطه با مراد است و از فتوای معطله در رابطه با مسأله
اطلاعی در دست نیست.

حقوق زن در حکومت اسلامی

مطلب زیر بخشی از نامه زنی است که شرح حال خود را برای مجله
"زن روز" ارسال داشته است و عیناً کلیشه می شود:

... و ما زنهای دردست او عروسکیهای
خیمه شب بازی ای بیش نیستیم. عواطف و
آرزوهای ما دردست او به صورت عقده و
کینه و حسد و بدخواهی نسبت به
همدیگر درمی آید. برای جلب محبت یکی
از زنهای آن دو نفر دیگر را تحقیر می کند
و بعد از چند روز این کار را در مورد یکی
دیگر می کند ولی این بار که به خاطر آنها
نیمه شب مرا از خانه بیرون کرد، هیچ
پناهی نداشتم، باترس و لرز بسیار خودم
را به دهان رساندم و چند روز بعد رفتم
دادگاه و از کریم شکایت کردم. ولی
در آنجا به من گفتند: «اگر مردی بتواند
خرجی زنانش را بدهد، ده تاهم می تواند
زن بگیرد. البته چهار تاعقدی و بقیه
صیغه» کاش کسی بود که به اینها
می گفت که مقصود از ازدواج که تنها این
نیست که مرد خرجی زن را بدهد. زن
به احتیاج به محبت و آرامش دارد.
با این حال، چند ماهی است که در خانه
پدر به سر می برم و رنج بیوه شدن را به
رفتن به آن خانه لعنتی و پر جنجال ترجیح
ندادم. در این مدت حتی

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

نیوشا از زمره آنانست. از پیکرش
پیامی آفرید. پیامی که از قلبش
برخاسته بود، "با شور به زندگی
ادامه می‌دهیم و در اعماق وجودمان
چیزی، هسته‌ای، کانونی، اعتقادی،
حقیقتی... هست که ما را به جلو
می‌راند و به ما نوید می‌دهد که از پای
نهایت بشینیم - به هر قیمتی که
شده...". نیوشا ستایشگر زندگی
بود، نیوشاشی به زندگی را در نفرت
به دره‌ییرستان بسته می‌دید. او نه تنها
با اقدام حماسی خود بر حلقوم رژیم
آزادی‌کش آدمی‌خوار خمینی چنگ
فرو برد، بلکه بازتابگر نفرت خلقی
از "عملکرد زهرآلود جوچه
فاشیست‌های شاه‌الهی" بود. ستایش



نیوشا ، ستایش ستایشگر زندگی است .
یادش همواره گرامی است •

بقیه از صفحه آخر
ویران کنیم، برای رهائی انسانها قلم
می‌زنیم - و اگر لازم شد جان می‌دهیم
بی آنکه عاشق مردن باشیم ..."
و زندگی در اونیز متوقف نشد.
قلب کوچکتی که در هیئت قلبی بزرگ
باز آفریده شد، کماکان در تپش است.
مرگ راه پشه سرخه نشست و مرده‌واره
را، مرده‌پرستانی که زنجیر راستابش
می‌کنند، و او که زندگی و آزادی را -
چه امروز زندگی در آزادی مفهوم
می‌یابد. و عشق برآمده از هدف
انسانی اش در مفهوم "زیستن" آزاده
زیستن را فریاد می‌کند.

نیوشا عاشق بود، عاشق زندگی و نه عاشق زندگی فرد خود - وجه بسیاری از آنافکه تنها در خود می‌زیند - زندگی‌اش از آنرو در مفهوم عام زندگی گره می‌خورد که بهین "خود" و "دیگران"، این دیگران که مردم میبشت بودند، مردم همه گیتی بودند، مرزی نمی‌شناخت. و ازاین رو، سرود شد. سرود رزمندگی انسانها. سرود فراوونی اراده گل‌سنگ کوچکی بر قدرت استقامت تخریب شده سنگی بزرگ. این چنین است که انسان زاده می‌شود.

انسانها گونه گونند. برخی ها
آنکه همین امروز "زندگی" می کنند،

به گذشته تعلق دارند و جز به زبان
ماضی نمی‌توان از آنها سخن گفت.
بهرخی با آنکه همین امروز زندگی
نمی‌کنند، به آینده تعلق دارند و

دست‌خدا دیگری از آخرین روزهای زندگی نبوشا

یہیں سے ہی تکرار فریب و رولت مسمیٰ

نیو سافر می

کاشق، در رعد، منقذ

هو ارا سازمان چرک ماخذای خلق ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
باسمہ ۲۰ ستمبر ۱۹۸۷ء، بتتید (لوس آنجلس)۔

[illegible]



تدوین نخستین برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه

به پیشواز هفتادمین سالگرد اکتبر بزرگ

بقیه از صفحه آخر

چنین خلاصه کرد: "هرگاه نمایندگان پیشرو طبقه کارگر، به اندیشه‌های سوسیالیسم علمی رسیده باشند، هرگاه به رسالت تاریخی کارگر روس پی برده باشند، هرگاه این اندیشه‌ها رواج گسترده‌ای یافته، کارگران سازمانهای مستحکم بنیان گذاشته و این سازمانها مبارزه اقتصادی امروز کارگران را که پراکنده است، به مبارزه طبقاتی آگاهانه تبدیل کرده باشند - آنگاه کارگر روس برخواد خاست، در راس همه عناصر دمکرات قرار خواهد گرفت و حکومت مطلقه را سرتکون خواهد کرد و پرولتاریای روس (دشادوش پرولتاریای همه کشورها) در راه مستقیم مبارزه آشکار سیاسی به سوی انقلاب پیروزمند کمونیستی پیش خواهد رفت."

تدارک برنامه حزب، همچنین مستلزم مبارزه پیکیر با "مارکسیستهای قانونی" بود. اینان با حکم مارکسیستی مترقی بودن سرمایه‌داری در مقابل فئودالیسم موافق بودند، با ایدئولوژی خلق‌گرایی (نارودنیسم - م) نیز مبارزه می‌کردند، اما با سوسیالیسم پرولتری مخالفت می‌ورزیدند. بگونه‌ای که لنین بعدها خاطرنشان کرد، آنها مارکسیسم را از محتوای انقلابی آن تهی می‌کردند، بطوری که برای پرولتاریای لیبرال هم پذیرفتنی می‌شد، و می‌کوشیدند چنهن کارگری را به دنباله‌رو لیبرالها تبدیل کنند. نظرات آنها که مشابه نظریات برنشتاینی‌ها - که اندکی بعد مطرح شدند - بود، توسط لنین در اثرش به نام "محتوای اقتصادی جریان خلق‌گرایی و انتقاد از آن در کتاب آقای استرووه"، منتشره در آوریل ۱۸۹۵، به نقد کشیده شد. لنین در این اثر خاطرنشان کرد که ضروری است استدلال پتر استرووه در کتابش بنام "ملاحظات انتقادی درباره رشد اقتصادی روسیه"، کام به کام دنبال شود تا ضرورت طرح مسئله به گونه‌ای دیگر، ضرورت کاربست بهیچ‌بهره‌تر تئوری تضادهای طبقاتی مورد تأکید قرار گیرد."

رشد سرمایه‌داری را تقدیس می‌کند، و به توصیف شکل نوین آنتاگونیسم طبقاتی که در جریان این رشد تکوین می‌یابد، و تحلیل وظایف سوسیالیستی پرولتاریا نمی‌پردازد. لنین در چند جای اثر خود شرح داد که چگونه استرووه از موضع عینی‌گرایی پرولتاریایی و نه موضع مارکسیستی دست به قلم برده است. در این رابطه لنین، تفاوت بنیادین میان برخورد عینی‌گرایانه و برخورد مارکسیستی به پژوهش روندهای اجتماعی را آشکار و اصل مارکسیستی جانبداری علوم اجتماعی را مدلل کرد. آن فرد عینی‌گرایی که مانند استرووه، به گفته لنین بدین اکتفا می‌کند که "ضرورت روند تاریخی موجود" را بپذیرد و در مرحله تشخیص "گرایش‌های تاریخی اجتناب‌ناپذیر" متوقف ماند، "همواره ممکن است در موضع توجیه‌گر این واقعیات قرار

شجاعانه بودن اندیشه لنین را علاوه بر تأیید آن در عمل، می‌توان در این امر دید که بسیاری از سوسیال دمکراتهای دهه ۹۰، از جمله گئورگی پلخانف، تئوریسین برجسته و بنیانگذار سوسیال دمکراسی روسیه، نظر به کلی متفاوتی داشتند. پلخانف معتقد بود که در روسیه نیز مانند اروپای غربی در زمان انقلاب دمکراتیک، پرولتاریا در راس چنهنش ترقیخواه قرار خواهد گرفت. لنین در این اثر همچنین برای نخستین بار از "اندیشه اتحاد انقلابی کارگران و دهقانان به مثابه نیروی تعیین‌کننده، به مثابه شرط اصلی سرنوشتی تزاریسم، ملاکین و پرولتاریا و ساختمان جامعه کمونیستی" دفاع کرد.

توضیح رابطه طبقه کارگر با خرده‌پرولتاریا و برنامه‌های آن، برای تدوین برنامه حزب بسیار مهم بود. لنین در حل این مسئله از خصلت دوگانه این طبقه حرکت کرد. این طبقه تا جایی مترقی است که خواستهای عام دموکراتیک را طرح کند که سمت آنها علیه بقایای سرواژ باشد و از آن رو ارتجاعی است که برای حفظ موقعیت خود به مثابه خرده‌پرولتاریا مبارزه می‌کند و می‌کوشد رشد عمومی کشور در مسیر پرولتاریایی را متوقف کند و به عقب برگرداند. لنین، که در اثر خود بطور همه جانبه با ایدئولوژی ارتجاعی خلق‌گرایان لیبرال مقابله کرد، در عین حال ضروری می‌دانست که از خواستهای دمکراتیک خرده‌پرولتاریا که سمت آن علیه فئودالیسم، علیه بی‌زمینی دهقانان، عوارض شکن و به‌پردگی کشیده شدن آنها توسط بوروکراسی بود، حمایت شود. وی نوشت، "در مطالعه محو این بدبها، هیچ چیز سوسیالیستی وجود ندارد، چرا که این خواستها به هیچ وجه سترواستثمار را توضیح نداده، بندگی کار توسط سرمایه را به کلی دست نخورده می‌گذارد. اما محو این بدبها، این بندگی را از وجه قرون وسطایی افزوده شده بر آن، رها می‌کند، وجهی که تقویت‌کننده این بندگی است. محو آنها، برای کارگران مبارزه مستقیم با سرمایه را سهل‌تر می‌کند و بنابر این به مثابه یک خواست دمکراتیک، از حمایت عملی کارگران بهره‌مند خواهد شد."

لنین بدین گونه، به روشنی رابطه طبقه کارگر و حزب او با خرده‌پرولتاریا و دمکراسی دهقانی را تعیین کرد. این امر برای تحقق مژمونی طبقه کارگر در مبارزه همه مردم در انقلاب پرولتاریا - دمکراتیک که تکوین می‌یافت، حائز اهمیت زیادی بود.

لنین در این اثر، با اشاره به رابطه انقلاب پرولتاریا - دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی، چشم‌انداز مبارزه طبقه کارگر را تا پیروزی در انقلاب سوسیالیستی، ترسیم کرد. وی "وظیفه پلا فصل" کارگران را "سازماندهی یک حزب سوسیالیستی کارگری" دانست. لنین مهمترین ضروریات مبارزه پیروزمند طبقه کارگر روسیه را

"طرح و توضیح برنامه حزب سوسیال دمکرات"، که او در سالهای ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ در زندان نوشت، و نیز آثار "برنامه‌ها" و "طرح برنامه حزب ما" که در سال ۱۸۹۹ در تبعید در سیبری نگاشته است. بسیاری از آثار لنین که وی در آن به مبارزه با مخالفان مارکسیسم و مدلل کردن اصول مهمی که در طرحهای برنامه، نقدهای برنامه و سپس در برنامه مصوب کنفرانس دوم ج. س. د. ک. ر تبلور یافت، پرداخت، به تدوین برنامه حزب اختصاص دارد. وی با تدوین اصول راهنمای برنامه‌ای، به مارکسیستهای روس، کمک کرد که به نظرات سیاسی درست دست یابند و به امر انسجام ایدئولوژیک و سازمانی آنها یاری رساند.

نخستین اثر بزرگ لنین به نام "دوستان خلق" کیانند و چگونه بر ضد سوسیال دمکراتها مبارزه می‌کنند؟ نقش مهمی در تدارک برنامه حزب ایفا کرد. وی در این اثر به مقابله با ایده آلیسم ذهنی خلق‌گرایان لیبرال برخاست. اینان منکر قابلیت انطباق مارکسیسم بر شرایط روسیه بودند و نمی‌خواستند بپذیرند که طبقه کارگر در روسیه نیز متعهد بود که رسالت تاریخی - جهانی خود به عنوان گورکن سرمایه‌داری و آفریننده جامعه نوین کمونیستی را که توسط مارکس و انگلس بگونه‌ای علمی مستدل شده بود، اجرا کند. خلق‌گرایان لیبرال می‌کوشیدند دکتترین قدیمی سوسیالیسم دهقانی را بر شرایط اقتصادی کشوری منطبق کنند که مدت‌ها بود راه سرمایه‌داری را در پیش گرفته بود.

لنین بر پایه تحلیل مارکسیستی رشد اجتماعی، در این اثر ثابت کرد که در روسیه هیچ مناسبات اجتماعی - اقتصادی دیگری به جز مناسبات پرولتاریایی و مناسبات روبه زوال فئودالی وجود ندارد و از این رو هیچ راه دیگری به سوسیالیسم به جز از طریق چنهن کارگری نمی‌تواند وجود داشته باشد. این راهی است که مارکس و انگلس به کارگران همه کشورها نشان داده‌اند، راه مبارزه طبقاتی پرولتاریا بر ضد پرولتاریای لیبرال. این استدلال لنینی بر ضد حملات خلق‌گرایان لیبرال، اهمیت اصولی خود را برای رد همه کوشش‌های ضد مارکسیستی برای نشان دادن راههای دیگر و یا الگوهای رویزیونیستی به جای راه نشان داده شده توسط مارکسیسم - لنینیسم، حفظ کرده است.

این اثر لنین به ویژه از آن رو راهنماست که وی در آن به عنوان نخستین مارکسیست در روسیه، "استدلالی تئوریک برای رسالت تاریخی طبقه کارگر روسیه به عنوان مژمون، به عنوان نیروی انقلابی رهبری کننده و پیشرو جامعه، به عنوان رژیمده بهیچ‌بهره بر ضد تزاریسم و سرمایه‌داری و برای رهایی همه مردم از محنت و استثمار شده و انقلاب پیروزمند سوسیالیستی" ارائه کرده است. عظمت و

کیرد." اما یک ماتریالیست، تضادهای طبقاتی نهفته در این پدیده‌های تاریخی را می‌شکافد و موضع خود را مطابق با منافع طبقه انقلابی پیشرو تعیین می‌کند. این بدان معنی است که مارکسیسم به هر پدیده اجتماعی از موضع منافع طبقه کارگر و مبارزه‌اش برای سوسیالیسم می‌نگرد. لنین نوشت: "ماتریالیسم به عبارتی متضمن چانه‌داری است، زیرا متعهد است که در هر ارزیابی از یک رویداد، مستقیماً و آشکاراً در موضع یک گروه معین اجتماعی قرار گیرد." پتر استروو، با پوشش عینی‌گرایی بورژوازی، تلاش بورژوازی لیبرال برای مخدوش کردن تضادهای طبقاتی و اکتفا کردن به اصلاح نظام موجود را استوار می‌کرد. چند سال بعد پرشتابانی‌ها نیز نظرات مشابهی مطرح کردند. "انتقاد لنین از نظرات استروو، آغازگر دوره تاریخی مبارزات سخت مارکسیستهای انقلابی بر ضد رویزیونیسم بین‌المللی بود، که برادر فکری آن در روسیه، "مارکسیسم قانونی" محسوب می‌شد."

مبارزه بر ضد رویزیونیسم و مرزبندی قاطع سوسیالیسم پرولتری با لیبرالیسم بورژوازی که می‌کوشید جنبش کارگری در حال قدرت‌گیری را تحت نفوذ خود گیرد، مانند خط سرخی از میان همه آثار دیگر لنین در تدارک برنامه حزب می‌گذرد. یک مشخصه اساسی کار لنین، پیوند ناگسستنی تئوری و پراتیک بود. لنین در این پیوند، مهمترین تضمین علیه دکماتیسم و فرقه‌گرایی را می‌دید. وی در "دستان خلق" می‌نویسد: "چگونه بر ضد سوسیال دموکراتها مبارزه می‌کنند؟" تاکید کرد که کار تئوریک مارکسیستهای روس باید "پرسی مشخص همه اشکال آنتاگونیسم اقتصادی در روسیه" و تعیین راههای مبارزه طبقه کارگر و حزبش باشد و به مسأله "که پرولتاریا مطرح میکند" پاسخ دهد. "آنچه‌ای که تطابق با روند عینی رشد اجتماعی-اقتصادی به عالی‌ترین و تنها معیار سنجش یک نظریه تبدیل شود، دکماتیسم نمی‌تواند وجود داشته باشد و وقتی وظیفه آن باشد که به امر سازماندهی پرولتاریا کمک شود، ... فرقه‌گرایی نمی‌تواند وجود داشته باشد."

انقلابی لنین بود. لنین در کنار مبارزه‌اش با دشمنان مارکسیسم در تدارک برنامه حزب، کار ایدئولوژیک و سازمانی همه جانبه‌ای در میان کارگران پترزبورگ انجام می‌داد. وی در سال ۱۸۹۵، "اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" را بنیان نهاد. لنین بعدها، هنگامی که در سیبری در تبعید به سر می‌برد، در ادامه تدارک برنامه حزب بر تجارب این نخستین نطفه یک حزب انقلابی تکیه کرد.

بنیان تئوریک کار را اندیشه‌های اساسی مارکسیسم تشکیل می‌دادند. چند سال بعد لنین تاکید کرد که مارکسیستهای انقلابی روس "کاملاً از اندیشه‌های بنیادین مارکسیسم، بدانگونه که در "مانیفست کمونیستی" و در برنامه‌های سوسیال دموکراتهای اروپای غربی به‌تألیف یافته‌اند" بی‌روی می‌کنند.

لنین نخستین طرح برنامه را با عنوان "طرح و توضیح برنامه حزب سوسیال دموکرات" در سالهای ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ در زندان نوشت. وی برنامه را در دسامبر ۱۸۹۵، و توضیحات درباره آن را در ماههای ژوئن و ژوئیه ۱۸۹۶ به رشته تحریر درآورد. همانگونه که لنین نوشت، برنامه متشکل از سه بخش است. بخش نخست، بخش تئوریک، از "همه نظراتی که مابقی بخشهای برنامه منتج از آن است" تشکیل شده است.

تحلیل قرار می‌گیرد و نشان داده می‌شود که "طبقه کارگر در جامعه نوین چه جایگاهی دارد". در این بخش، هم هدف نهایی و هم وظیفه مقدم و بلافصل پرولتاریای روس تعیین می‌شود. درباره رسالت تاریخی و هدف نهایی پرولتاریای روس آمده است: "این مبارزه طبقه کارگر بر ضد طبقه سرمایه‌دار، مبارزه‌ای بر ضد همه طبقاتی که از کار دیگران زندگی می‌کنند و مبارزه‌ای با هر گونه استثمار است. این مبارزه تنها می‌تواند با انتقال قدرت سیاسی به دست طبقه کارگر، با انتقال همه زمین‌ها، ابزارها، کارخانجات، ماشین‌ها و معادن به دست کل جامعه به منظور سازماندهی تولید سوسیالیستی، که در آن همه محصولات کارگران و هر گونه بهبود تولید در خدمت خود زحمتکشان است، پایان پذیرد." در بخش تئوریک نیز اشاره می‌شود که "جنبش طبقه کارگر روس" پناهِ خصلت و هدف خود "بخشی از جنبش بین‌المللی (سوسیال دموکراتیک) طبقه کارگر همه‌کشورها" را تشکیل می‌دهد. اندیشه انترناسیونالیسم پرولتری ناظر بر همه آثار برنامه‌ای لنین است. با حرکت از این نکته که حکومت خودکامه تزاری مانع اصلی بر سر راه مبارزه طبقه کارگر روس برای آزادی خود بود، سرنگونی این حکومت خودکامه به مثابه وظیفه سیاسی مقدم مبارزه طبقه کارگر روس تعیین شد.

بخش دوم، به وظیفه حزب و رابطه آن با سایر جریانات سیاسی روسیه می‌پردازد. لنین آن بند از برنامه را که وظایف حزب را معین می‌کند، مهمترین بند می‌دانست. همانگونه که لنین نوشت، وظیفه حزب آن بود که "با ارتقای آگاهی طبقاتی کارگران، یاری رساندن به سازماندهی آنها و نشان دادن اهداف و وظایف مبارزه به آنها در این مبارزه به طبقه کارگر کمک کند." در این طرح در مورد رابطه حزب با سایر جریانات آمده است: "حزب سوسیال دموکرات روس، بدون اینکه خود را از جنبش کارگری جدا کند، از هر جنبش اجتماعی که سمت آن علیه قدرت نامحدود حکومت استبدادی، علیه طبقه زمین‌داران اشرافی ممتاز و علیه بقایای سرواژ نظام پسته مبتنی بر اقطاع باشد، نظامی که مانع رقابت آزاد است، حمایت خواهد کرد."

لنین در بخش سوم طرح، وظایف عملی حزب در عرصه تحولات عمومی دولتی، خواستهای طبقه کارگر و نیز خواستهایی به سود دهقانان را فرموله کرد. این خواستها از جمله عبارتند از: "فراخواندن سسکی سوپور (مجلس ملی) از نمایندگان همه شهروندان به منظور تدوین قانون اساسی"، "آزادی عقیده و برابر حقوقی همه ملیتها"، "محدودیت قانونی روز کار به ۸ ساعت" و "هزایس دادن زمین‌های "دفعک شده" از املاک دهقانان در سال ۱۸۶۱ به دهقانان". بدین ترتیب لنین در همان نخستین طرح برنامه، هدف نهایی و وظیفه سیاسی مقدم مبارزه کارگران را نشان داده، خواستهای مشخص حزب سوسیال دموکرات برای کارگران و دهقانان را مطرح کرد. خواستهای دهقانی متوجه گسترش مبارزه طبقاتی در روستا و برقراری اتحاد کارگران بود.

ساختار و ترکیب این نخستین طرح برنامه لنینی، عمدتاً مطابق با برنامه ارفورت حزب سوسیال دموکرات آلمان بود. لنین با این برنامه و نیز اسناد برنامه‌ای گروه "آزادی کار" آشنا بود. وی احتمالاً برنامه‌های سایر احزاب سوسیالیست را نیز خوانده بود. آنچه لنین در آن زمان هنوز نخوانده بود، یادداشت‌های انتقادی انگلس بر برنامه ارفورت بود که در سال ۱۹۰۱ منتشر شد.

طرح لنینی، که وجوه مشترک زیادی با موارد

مشابه برنامه ارفورت دارد، نشان می‌دهد که لنین با توجه به ویژگی‌های رشد اقتصادی و سیاسی روسیه، که به ویژه در رابطه با وظایف سیاسی و شیوه‌های مبارزه و نیز مبارزه علیه همه بقایای رژیم پادشاهی ماقبل سرمایه‌داری بود، برخورد خلقی به بهره‌گیری از تئورهای مارکسیستی درست این برنامه داشت.

یک تفاوت مهم میان دو برنامه در این بود که در طرح لنینی فصلی به خواستهای دهقانی اختصاص داشت. در برنامه ارفورت چنین فصلی نبود.

یک سال بعد، در سال ۱۸۹۷، لنین در تبعید در سیبری جزوه "وظایف سوسیال دموکراتهای روس" را نوشت و در آن تجارب "اتحاد مبارزه برای آزادی طبقه کارگر" را جمع‌بندی کرد. این جزوه در سال ۱۸۹۷ از سوی گروه "آزادی کار" در ژنو منتشر شد و از زمره "مهمترین اسناد برنامه‌ای سوسیال دموکراتهای انقلابی روس در دوره مبارزه برای بنیان‌گذاری حزب" بود. لنین در این اثر هم به پیوند ناگسستنی و هم به تفاوت میان وظایف سوسیالیستی و دموکراتیک طبقه کارگر روسیه اشاره کرد. لنین نوشت فعالیت عملی سوسیال دموکراتها باید متوجه آن باشد که "مبارزه طبقاتی پرولتاریا را رهبری و این مبارزه را در دو شکل آن سازماندهی کنند: سوسیالیستی (مبارزه بر ضد طبقه سرمایه‌دار با هدف ناپودی جامعه طبقاتی و برپایی یک جامعه سوسیالیستی) و دموکراتیک (مبارزه بر ضد حکومت مطلقه با هدف دستیابی به آزادی سیاسی در روسیه و دموکراتیزه کردن نظام سیاسی و اجتماعی)".

توضیحات لنین در باره تفاوت میان ترویج و تبلیغ سوسیالیستی و دموکراتیک نیز که در این اثر آمده است، اهمیت زیادی دارد. به نوشته لنین، درحالی که پرولتاریا را اولی "کاملاً تنهاست و هم ملاک‌های اشرافی و هم بورژوازی با او مخالفتند، و حداکثر (آن هم به هیچ وجه نه همیشه) از حمایت عناصری از خرده‌بورژوازی که به پرولتاریا گرایش دارند برخوردار است"، طبقه کارگر روس در مبارزه دموکراتیک تنها نیست. لنین نوشت در این مبارزه "همه عناصر، اشرار اجتماعی و طبقات به لحاظ سیاسی مخالف، به میزانی که به مقابله با حکومت مطلقه برخیزند و به این یا آن شکل با آن مبارزه کنند در کنار طبقه کارگر قرار می‌گیرند. بدین طریق لنین بر ضرورت رهبری و سازماندهی مبارزه طبقاتی پرولتاریا در دو شکل آن، عدم اکتفا به مبارزه اقتصادی بر ضد بورژوازی و پیوند دادن آن با مبارزه دموکراتیک سیاسی بر ضد حکومت خودکامه تزاری تاکید کرد. همانگونه که لنین نوشت، مسئله موضوع طبقه کارگر در قبال عناصر مختلف اپوزیسیون که در این مبارزه در کنار پرولتاریا قرار می‌گیرند، "با صراحت کامل توسط اصول مشروح سوسیال دموکراسی در "مانیفست کمونیستی" معروف، تعیین شده است"

در این رابطه لنین از اصول فرموله‌شده در فصل چهارم "مانیفست" حرکت کرده، موضع سوسیال دموکراتهای روس در قبال عناصر اپوزیسیون را تعیین کرد: "سوسیال دموکراتها از طبقات مترقی اجتماعی در مقابل طبقات ارتجاعی، از بورژوازی در مقابل نمایندگان قشر ممتاز ملاک و ماموران دولتی، از بورژوازی بزرگ در مقابل هوس‌های ارتجاعی خرده‌بورژوازی پشتپناهی می‌کنند."

لنین در این اثر این‌سوال را طرح کرد که آیا سوسیال دموکراتها نباید با عناصر مختلف اپوزیسیون در مبارزه بر ضد حکومت مطلقه متحد شوند؟ در اینجا نیز لنین به عنوان راهنمای پاسخ دهی، "مانیفست حزب کمونیست" را به کار گرفت. مارکس و انگلس در "مانیفست این وظیفه را فراوری کمونیستها قرار دادند که "زودکارگران، آگاهی حتی المقدور روشنی بقیه در صفحه بعد

بقیه از صفحه قبل

درباره تضاد آشنی ناپدید میان بورژوازی و پروولتاریا شکل دهند.^{۱۰} لنین با انطباق این اصول اولیه بر شرایط مبارزه طبقاتی در روسیه تاکید کرد که سوسیال دموکراتهای روس، اگر هم "به همبستگی این یا آن گروه اپوزیسیون یا کارگران اشاره کنند، همواره کارگران را بطور ویژه برچسته خواهند کرد، همواره خصلت موقتی و مشروط این همبستگی را روشن خواهند کرد، همواره بر موقعیت به لحاظ طبقاتی ویژه پروولتاریا که همین فردا می تواند دشمن متحدان امروز خود باشد، انگشت خواهند گذاشت."

لنن موقعیت ویژه طبقه کارگر در مبارزه با حکومت مطلقه و نقش او به مثابه پیشاهنگ مبارزه برای آزادی سیاسی و دموکراسی را به ویژه با این امر مدلل کرد که تنها طبقه کارگر دشمن تا به آخر پیگیر حکومت مطلقه است. وی افزود "مخالفت همه طبقات، کثروها و اشرار دیگر مردم با حکومت مطلقه، شامعدونه نیست، دموکراتیسم آنها همواره نظر به عقب تنها پروولتاریاست که قادر است "دمکراتیزه کردن نظام سیاسی و اجتماعی را تا به آخر پیش برد، زیرا با چنین دمکراتیزه کردنی، این نظام به دست کارگران خواهد افتاد." بدین ترتیب لنن همان زمان از لحاظ اصولی ثابت کرد که تنها پروولتاریا مدافع تا به آخر پیگیر دموکراسی است. لنن شرط مهم تحقق نقش رهبری طبقه کارگر در جنبش انقلابی را این می دانست که طبقه کارگر اهداف طبقاتی خود را پنهان ندارد، سوسیال دموکراتهای روس، تئوری انقلابی را "از تفسیرهای نادرست حفظ کنند" و "اتحادهای عملی... در هیچ مورد به سازش یا امتیاز دادن در تئوری، برنامه و... جنبش نیانجامد". در کنار همه این مسائل، به ویژه موقعیت ویژه طبقه کارگر در ادامه تدوین برنامه حزب، نقش مهمی داشت. به نوشته لنن، پاکیزه نگه داشتن تئوری مارکسیستی در مقابل همه تلاشهای رویزیونیستی برای به تبعیت درآوردن جنبش کارگری جوان در روسیه از دکتربین های کمتر صریح "چاپکاه مهمی در کار تدارک برنامه حزب به خود اختصاص می داد. این کار محدود به جنبش کارگری روسیه نمی شد، چرا که این جنبش، بخشی از جنبش سوسیال دموکراتیک بین المللی بود، تحت تاثیر آن قرار داشت و خود بر آن تاثیر می گذاشت. از این رو لنن با دقت بسیار جنبش کارگری بین المللی و روس را دنبال می کرد و فعلا نه نسبت به روندهایی که در آنها جریان داشت، و اکثرا نشان می داد.

هنگامی که لنن در تبعید سیبری، کتاب "شرایط سوسیالیسم و وظایف سوسیال دموکراتها" را خواند، فوراً در یک نامه به بی پایه بودن این "نقد" مارکسیسم اشاره کرد. وی در نامه ای به مادر خود نوشت، "این کتاب به لحاظ تئوریک پگونه ای باور نکردنی ضعیف و تکرار افکار دیگران است و لغای در باره انتقاد، بدون اینکه حتی تلاشی برای انتقاد جدی و مستقل باشد. به لحاظ عملی، به معنای اپورتونیسم است... آنها اپورتونیسم ~~چپ~~، زیرا برنشتاین نمی خواهد خود برنامه را دستکاری کند. تردیدی نمی تواند وجود داشته باشد که شکست خواهد خورد". لنن در بسیاری از آثار خود با رویزیونیسم به سبک برنشتاین و همه اشکال مشابه رویزیونیسم مبارزه کرد و سرشتی در مبارزه پیگیر ضروری با رویزیونیسم که تا امروز نیز معتبر است، ارائه داد.

مبارزه پیگیر و موفقیت آمیز با اپورتونیسم و رویزیونیسم، تعیین کننده این بود که جنبش کارگری روسیه چه راهی در پیش خواهد گرفت، راه مبارزه

انقلابی یا راهی که به اصلاحات اکتفا کند. هیچ کس این پیوند را به صراحتی که لنن می دید، ندیده بود. این امر، موضع آشتی ناپذیر او در برابر همه تلاشها برای کشاندن جنبش کارگری به کوره راههای رفرمیستی را توضیح می دهد.

اینگونه تلاشهای رفرمیستی در آن سالها به ویژه از سوی "اکونومیستها" انجام می گرفت. آنها نظرات اپورتونیستی خود را در نشریه "راهپویه دلو"، ارگان تشکیلات خارج از کشور سوسیال دموکراتهای روس و در "راهپویایمیزل" ترویج می کردند. این نظرات همچنین در پلاتفرمی که نام "مرامنامه" بر آن گذاشته بودند و توسط د.د. کوسکوا تالیف و منتشر شده بود، آمد. در "مرامنامه" ضمن ابراز مخالفت با مبارزه سیاسی بر ضد حکومت مطلقه، از جمله آمده است "نیروهای ضعیف کارگران... در برابر دیوار سرکوب سیاسی ایستاده اند، و برای آنها... راههای عملی برای مبارزه با این یوغ وجود ندارد".

نظر اپورتونیستی آنها درباره نقش حزب پرولتری چنین بود "دم زدن از حزب سیاسی مستقل کارگری چیزی نیست جز محصول انتقال وظایف دیگران و نتیجه گیریهای دیگران به عرصه ما". به نوشته آنها، تنها راه مارکسیستهای روس در "شرکت در مبارزه اقتصادی پروولتاریا، یعنی پشتیبانی از این مبارزه، و شرکت در فعالیت لبرالی-اپوزیسیونی" بود. لنن در "اعتراض سوسیال دموکراتهای روس"، که در اوت ۱۸۹۹ فوراً از سوی هفده سوسیال دموکرات تبعید شده به سیبری امضا شد، بدین اثر رفرمیستی پاسخ داد. وی خطر دور شدن سوسیال دموکراسی روس از راه در پیش گرفته شده تشکیل حزب سیاسی مستقل کارگری، که پیوند ناگسستی با مبارزه طبقاتی پروولتاریا داشته باشد و "دستیابی به آزادی سیاسی را وظیفه مقدم خود قرار دهد"، خطری که از "اکونومیسم" ناشی می شد، را افشا کرد. "اعتراض سوسیال دموکراتهای روس" در عین حال هم علیه رویزیونیسم روس و هم بر ضد رویزیونیسم بین المللی بود. لنن نوشت "برنشتاینیسم معروف سه گونه ای که معمولاً توسط طیف وسیع بطور عام، و نویسندگان "مرامنامه" بطور خاص، درک می شود به معنای تلاش برای محدود کردن تئوری مارکسیسم، تلاش برای تبدیل حزب انقلابی کارگری به حزب رفرم است."

رویزیونیستها هم در روسیه و هم در احزاب سوسیال دموکرات اروپای غربی دست به چنین تلاشهایی می زدند. در "اعتراض سوسیال دموکراتهای روس" همه سوسیال دموکراتها فراخوانده شدند که "به کل مجموعه اندیشه هایی که در "مرامنامه" بازتاب یافته است، قاطعانه اعلان جنگ دهند".

تحمیل حزب و تحکیم حزب انقلابی طبقه کارگر، تدوین برنامه حزب، مبارزه با دشمنان آشکار مارکسیسم و آنها به یک قصد "تجدیدنظر" در آن را داشتند و نیز تکامل مارکسیسم، در فعالیت لنن یک کل واحد را تشکیل می دادند. در تحلیل نهایی، هدف لنن از تدوین برنامه نیز مدلل کردن همه جانبه و به کرسی نشاندن اندیشه سرکردگی پروولتاریا در انقلاب خلقی در حال شکل گیری بود. مدلل کردن و تکامل این اندیشه، مانند خراسخی از همه آثار برنامه ای لنن می گردد. این امر از جمله به میزان ویژه ای در مورد اثر وی به نام "رشد سرمایه داری در روسیه" صادق است. وی در این اثر، رشد اجتماعی-اقتصادی روسیه را تحلیل و استدلالی تئوریک برای برنامه حزب ارائه کرد. سوتیتز کتاب، "روند تشکیل بازار داخلی

برای صنایع بزرگ" بود. این کتاب بطور قانونی با نام مستعار، ایلیین در سال ۱۸۹۹، هنگامی که لنن در سیبری در تبعید بود، منتشر شد.

لنن، تز اصلی اقتصاددانان خلق گرا مبنی بر اینکه "سرمایه داری روس فاقد پایه است"، چرا که گویا بازار داخلی به واسطه فلاکت توده ها محدود است، با این اثبات رد کرد که بازار داخلی "از طریق رشد موازی سرمایه داری در کشاورزی و صنعت، از طریق تشکیل طبقه سرمایه داران کشاورزی و صنعتی از یک سو و از سوی دیگر، طبقه کارگران مزدبگیر کشاورزی و صنعتی" ایجاد می شود.

لنن، شرایط طبقاتی در روستای روسیه را تحلیل کرد و نشان داد که چگونه در آنجا سرمایه داری با حفظ بسیاری از بقایای سرواژ که هرکل دهقانان سفکینی می کردند، رو به رشد بود و بنابراین کل دهقانان در محراب بقایا که "مانع عظیمی بر سر راه کل تکامل اجتماعی" بود، ذینفع بودند. بدین ترتیب لنن مبنای اجتماعی-اقتصادی اتحاد طبقه کارگر با دهقانان در انقلاب بورژوا-دمکراتیک در حال شکل گیری را آشکار کرد.

لنن با بررسی و تحلیل آمارهای شوراهای محلی و نیز آمارگیری های ارتش در باره تعداد اسبها نوشت "تجزیه دهقانان، دو نوع جدید از جمعیت روستایی ایجاد می کند و به ضرر گروه های "میانی"، گروه های بالا و پایین دهقانان را رشد می دهد."

بورژوازی روستایی که به لحاظ عددی اقلیت کوچکی از کل دهقانان را تشکیل می دهد، اما به لحاظ اقتصادی در روستا دست بالا را دارد، و نیز "پروولتاریای روستا، طبقه کارگران مزدبگیر دارای سهم زمین" با نماینده ویژه اش، یعنی "کارگر مزدبگیر داشی" شکل می گیرد. لنن بر پایه بررسی آمارهای محلی درباره ۶۶ خانوار دهقانی ثابت کرد که این پروولتاریای روستایی، یعنی همه دهقانان فاقد اسب و بخش اعظم دهقانان دارای یک اسب، که شامل بخشی نه کمتر از نصف همه خانوارها بودند، به معنای واقعی کلمه، گرسنگی می کشیدند و بدون فروش نیروی کار خود نمی توانستند امرار معاش کنند. لنن از این طریق، نتیجه گیری ای را که در سایر آثار خود بدون الزام به در نظر گرفتن سانسور تزاری انجام داده بود، مدلل و ثابت کرد که دقیقاً همین پروولتاریای روستایی توده وسیع دهقانان فقیر، متحد طبقه کارگر در انقلاب سوسیالیستی خواهند بود.

لنن بطور همه جانبه رشد سرمایه داری در صنعت را بررسی، و بر این مباحث مونی پروولتاریا در انقلاب بورژوا-دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی را مدلل کرد. وی نظرات نادرست ایدئولوگ های خلق گرا را که اشکال اولیه رشد و راههای رشد سرمایه داری مانع تولید خرده کالایی (عمدتاً کار و کسب خرد دهقانی) را نادیده گرفته تنها صنعت کارخانه ای و کارگاهی را سرمایه داری می دانستند و آن را برای زندگی روسیه پدیده ای "مصنوعی" و تحمیلی قلمداد می کردند، رد کرد و در این رابطه، دست به افشای اشکال سخت و بسیار عقب مانده استعمار در "تولید خلقی" تقدیس شده از سوی خلق گرایان و نشان دادن رابطه مستقیم همه مراحل اصلی رشد سرمایه داری در صنعت روسیه زد. لنن نوشت، "انگونه که واقعیات به روشنی کامل نشان می دهند، گرایش اصلی تولید خرده کالایی به سمت رشد سرمایه داری است، به ویژه در شکل گیری مانوفاکتور، و مانوفاکتور نیز خود در برابر چشمان ما با بیشترین سرعت به صنعت بزرگ ماشینی فرامی رود." لنن نشان داد این امر به معنای "تشدید و گسترش همه جنبه های منفی

سرمایه داری و در عین حال، اجتماعی شدن همه چانه کار توسط سرمایه داری" است. این روند، تبلور "پراگندگی شرایط اجتماعی امروز" است که پرولتاریا در آن "پیشاهنگ کل توده زحمتکش و استثمارشده" را تشکیل می دهد. سرمایه داری از این طریق شرایط مادی عینی برای انقلاب سوسیالیستی را ایجاد می کند. نقش ترقیخواهانه آن که خلق گر ایران منکر آن بودند، در همین بود.

لنین همچنین نادرستی این ادعای خلق گر ایران را که شمار کارگران کارخانجات و کارگاهها رو به افزایش است، اما آهنگ افزایش آن کندتر از کل جمعیت است، نشان داد. وی ثابت کرد که شمار کارگران در واحدهای بزرگ سرمایه داری در فاصله ۱۸۶۵ تا ۱۸۹۰ بیش از دو برابر شد و نه تنها سریع تر از کل جمعیت، بلکه سریع تر از جمعیت شهری افزایش یافت. این طبقه، که لنین آن را پیشاهنگ کل توده زحمتکش و استثمارشده قلمداد می کند، کاملاً قادر بود توده مبدیونی دهقانان نیمه رعیت را در مبارزه برضد رژیم مملکتی تزار و برضد سرمایه داری رهبری کند. لنین در مقدمه چاپ دوم کتاب خود که پس از انقلاب ۱۹۰۵ نوشت، به این نتیجه مهم رسید که نیروی پرولتاریا "در حرکت تاریخ بسیار بزرگتر از سهم آن در کل جمعیت است". این اثر لنین، مبنای تئوریک فوق العاده مهمی برای ادامه تدوین برنامه حزب بود.

لنین در همان سال آثار "برنامه ما" و "طرح برنامه حزب ما" را که در پیوند مستقیم با تدارک برنامه حزب بودند، نوشت. وی نظریه تزلزل های ایدئولوژیک در سوسیال دموکراسی بین المللی و به ویژه نظرات رویزیونیستی برنشتاینی ها که آموزش مارکس و انگلس را "ناکافی و کهنه شده" می دانستند، در مقاله "برنامه ما" وظیفه سوسیال دموکراتها در تعیین دقیق "موضع خود درباره این مسئله" را گوشزد کرد. لنین تأکید کرد سوسیال دموکراتهای روس "کاملاً از تئوری مارکس" پیروی می کنند. این تئوری، وظیفه واقعی حزب انقلابی سوسیالیستی در "سازماندهی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و هدایت آن به اهداف نهایی تسخیر قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و سازماندهی جامعه سوسیالیستی" را مدلل می کند. در مقابل، برنشتاینی ها، همانگونه که لنین نشان داد، تئوری سازش را به جای این تئوری مبارزه "که همه سوسیالیستها را متحد می کند و سوسیالیستها همه عقاید خود را از آن می گیرند" می نشاندهند. ضرورت مهم داشت که تئوری انقلابی در برابر "حملات بی پایه و تلاش برای تزلزل دادن آن" حفظ شود.

در عین حال لنین تأکید می کرد که "هرای سوسیالیستهای روس به ویژه این امر ضرورت دارد که... تئوری مارکس را مستقلاً تکامل دهند، زیرا این تئوری تنها اصول عام راهنما را ارائه می کند، اصولی که در جزئیات، در انگلیس بگونه ای متفاوت با فرانسه، در فرانسه متفاوت با آلمان، در آلمان متفاوت با روسیه به کار بسته می شوند." این تأکیدها که سمت آن علیه برنشتاینی ها که می کوشیدند در اصول عام مارکسیسم تجدیدنظر کنند، و نیز علیه یکارگیری دکماتیک و غیر خلاق اصول عام راهنما بود، در عین حال برای ادامه تدوین برنامه حزب که می بایست مطابق با اهداف عمومی پرولتاریای بین المللی و وظایف مشخص پرولتاریای روس می بود، اهمیت اصولی داشتند.

"طرح برنامه حزب ما" که لنین در اواخر ۱۸۹۹ نوشت، بار دیگر نشان می دهد که وی چگونه اصول راهنمای عام مارکسیسم را در شرایط روسیه به کار می بست و از هر آنچه در برنامه های سوسیال دموکراتهای روس و بین المللی مفید بود، استفاده

نقذاده می کرد. لنین در طرح خود بر "طرح برنامه سوسیال دموکراتهای روس" که در سال ۱۸۸۵ توسط گروه "آزادی کار" به رهبری پلخانف انتشار یافته بود، و نیز "برنامه ارفورت" سوسیال دموکراتهای آلمان تکیه کرد. برخورد او به برنامه ارفورت، از جمله در اصولی تبلور یافته، که در مقاله "برنامه ما" تدوین کرده بود.

برنامه ارفورت در مقایسه با سایر برنامه ها، رشد یافته ترین برنامه یک حزب مارکسیستی توده ای در دوره ماقبل انحصاری سرمایه داری بود. این برنامه علیرغم کمبودهای، پاسخگوی ضروریاتی بود که در آن زمان در برابر برنامه مارکسیستی حزب پرولتری قرار داشت. لنین بارها به رسمت برنامه ارفورت که پیدایش آن بطور ناگهانی در پیوند با کار تئوریک مارکس و انگلس، بنیانگذاران کمونیسم علمی بود، اشاره کرد.

در این رابطه، بهترین اهمیت را انتشار "یادداشت های برنامه حزب کارگر آلمان" نوشته مارکس توسط انگلس در نشریه "عصر جدید" و نیز "در نقد طرح برنامه سوسیال دموکراتیک ۱۸۹۱" داشتند که انگلس پس از بررسی دقیق طرح برنامه ارسالی برای او در اختیار رهبری حزب گذاشت.

فریدریش انگلس در نامه ای به فریدریش آدولف زورگه، مورخ ۲۴ اکتبر ۱۸۹۱، به رابطه میان انتقاد کارل مارکس و برنامه ارفورت اشاره کرد، "اینکه انتقاد مارکس راه خود را کاملاً باز کرد، مایه رضایت ماست." در این میان، ملاحظات انتقادی انگلس نیز نقش مهمی داشتند. اشاره بدین امر از این رو ضروری است که از این طریق رابطه میان انتقاد مارکس از برنامه گتسانفد انگلس و تدوین برنامه لنینی حزب آشکار می شود. این همه، طرفداری لنین از برنامه ارفورت در نوشته اش تحت عنوان "طرح برنامه حزب ما" را توضیح می دهد. لنین نوشت، "ما به هیچ وجه از گفتن اینکه می خواهیم از برنامه ارفورت تقلید کنیم نمی ترسیم، در تقلید از آنچه خوب است، هیچ چیز بدی وجود ندارد، و درست اکنون که اغلب انتقادی اپورتونیستی از این برنامه به گوش می رسد، وظیفه خود می دانیم که علناً از برنامه ارفورت چنانچه در خود می تقلید به هیچ وجه نباید رونویسی ساده باشد." وی دلیل این موضع را قبل از هر چیز این دانست که در روسیه "همان روندهای اصلی رشد سرمایه داری، همان وظایف اصلی سوسیالیستها و طبقه کارگر" مطرح است که در آلمان. در عین حال لنین تأکید کرد که "ویژگی های روسیه، که باید در ویژگیهای برنامه ما بازتاب کامل بیابند." نباید از یاد برد.

بدین گونه، لنین رابطه میان اصلی و عام با خاص را در جنبش کارگری روشن کرد. بی پایه بودن همه تلاشهای امروزی رویزیونیستی برای انکار قانونمندیهایی عام و تبدیل خاص به اصل نیز بدین ترتیب روشن می شود. لنین، وظایف ویژه ملی پرولتاریای روس را تعیین کرده، در پیوند با حل وظیفه بین المللی واحد و اصلی کارگران همه کشورها قرار داد.

ویژگیهایی که می بایست در نظر گرفته می شد، مربوط به "وظایف سیاسی و طرق مبارزه" و "مبارزه برضد همه بقایای رژیم پادشاهی ماقبل سرمایه داری" و نیز "چابکی ویژه" مسئله دهقانی ناشی از همین مبارزه بود.

در این طرح، تحلیل طرح برنامه گروه "آزادی کار" که به نوشته لنین "کاملاً در سطح تئوری معاصر سوسیال دموکراسی" قرار داشت و تنها "در جزئیات نیازمند تغییرات، تصحیحات و تکمیلات

ویراستاری" (۸۲) بود، جای مهمی داشت. لنین ضروری می دانست که در این "طرح" تغییراتی وارد شود تا آن را به برنامه ارفورت نزدیک کند. وی معتقد بود جمله معروف مارکس در باره "فقر، فشار، بندگی، من و استثمار فرایند" (۸۴) که به اصرار انگلس وارد برنامه ارفورت شده بود، باید در برنامه سوسیال دموکراتهای روس نیز آورده شود، بخصوص اینکه "منتقدانی که حول برنشتاین گرد آمده اند، دقیقاً به این نکته باشند ویژه ای حمله می کنند."

طرح گروه "آزادی کار" در کنار خواستهای درست، حاوی پند "محو نظام کنونی نمایندگی سیاسی و برقراری قانونگذاری مستقیم خلق به جای آن" و نیز خواست "لاسل منی بر کمک دولتی به تعاونی های تولیدی" را شامل می شود. لنین مخالف این بود که قانونگذاری مستقیم خلق وارد برنامه شود، و می گفت نباید "بطور اصولی پیروزی سوسیالیسم را منوط به نشان دادن قانونگذاری مستقیم خلق به جای پارلماناریسم" کرد، چرا که این امر در شرایط موجود روسیه متضمن خطر تبدیل شدن به "هم پرسی" امپریالیستی" بود.

تا آنجا که به خواست "کمک دولتی به تعاونی های دولتی" مربوط می شد، این خواست می بایست برپایه تجارب سایر کشورها و ویژگیهای زندگی روسیه (تأمین لیبرالهای بورژوا و حکومت پلیسی به روی خوش نشان دادن به "اتحادیه ها" و به "حمایت" از "صنعت خلقی" و غیره) رد و حذف می شد.

لنین به مسئله دهقانی توجه زیادی می کرد. وی هنگامی که خواستهای دهقانی را تدوین می کرد، به خوبی با مباحث و اختلاف نظرها در باره مسئله دهقانی در سوسیال دموکراسی آلمان، با برنامه دهقانی مصوب حزب کارگر فرانسه در سال ۱۸۹۱ درنانت و نیز رساله جدلی فریدریش انگلس با عنوان "مسئله دهقانی در فرانسه و آلمان" آشنا بود. انگلس در این رساله با نظریات اپورتونیستی ایران شده در برنامه دهقانی مصوب نانت و نیز نظرات فولمار (اگرچه بدون ذکر نام او) مقابله کرد و دورنمای سوسیالیستی کشاورزی را پیشنهاد داد.

اپورتونیستها، مسئله اتحاد را از مبارزه طبقه کارگر در راه قدرت سیاسی جدا کرده، از حزب طبقه کارگر می خواستند که از مالکیت دهقانان کوچک در شرایط دولت بورژوایی دفاع و آن را ابدی قلمداد کند. آنها روند تجزیه دهقانان در سرمایه داری را درک نمی کردند.

لنین با حرکت از اندیشه های اصلی فریدریش انگلس در این اثر و تحلیل عمیق تفاوت مسئله دهقانی در روسیه و در کشورهای پیشرفته اروپای غربی چنین استدلال می کرد که "حزب کارگری، نمی تواند بدون اینکه احکام اصلی مارکسیسم را نقض کرده، خطای سیاسی عظیمی مرتکب شود، عناصر انقلابی ای را که در میان دهقانان نیز وجود دارند، نادیده گرفته و آنها را از حمایت خود محروم کند." لنین در این رابطه توضیح می داد که سخن بر سر حمایت از دهقانان به مثابه طبقه ای از خرده مالکان، و بر سر ابدی کردن مالکیت کوچک آنها بر ابزار تولید که مغایر با روند قانونمند تکامل اجتماعی است، نیست. پولکاکف "مارکسیست قانونی" و داوید وهرتس رویزیونیست نیز اینگونه نظرات مغایر با مارکسیسم داشتند. آنها می کوشیدند ثابت کنند که برخلاف صنعت، در کشاورزی تولید خرده تولید بزرگ ارجحیت دارد. لنین به ویژه در اثر خود بنام "مسئله دهقانی و منتقدین مارکس" با نظرات رویزیونیستی ایران مقابله کرد. وی با ارزیابی آمار کشاورزی آلمان که بقیه در صفحه بعد

نامه پدري به «دختر پنجاب»

بالدو سينگ مان، ۳۴ ساله، هشت روز بعد از تولد دخترش سونی، نزدیک دهکده امریتساره به ضرب گلوله به خاک افتاد.

این مبارز جوان، در ایالت پیر آشوب پنجاب زندگی و کار می کرد. اوصداي خود را به مخالفت هر ضد تروریست هایی بلند کرده بود که هدفشان تقسیم هند و تشکیل کشوری بنام خالستان است. تروریست هایی که سال قبل باعث قتل بیش از ۷۰۰ نفر شدند.

بالدو سينگ یک سیک و عضو حزب کمونیست هند (مارکسیست) و خواهان اتحاد هندوها و سیک ها بود.

سی ساعت قبل از قتل او توسط تروریست ها در نزدیکی جی ناهاکار کمونیست محبوب دیگری بنام دارشان سينگ که بی ديان در دهکده هوشامپور به ضرب گلوله به قتل رسید. چند روز قبل تر نیز کمونیست جوان دیگری بنام دکتر اترسینگ در حوالی امریتساره به ضرب گلوله از پای درآمد.

در راه مبارزه برای دفاع از وحدت هندوستان تاکنون ۱۶ عضو حزب کمونیست و یک عضو حزب کمونیست (مارکسیست) هند به قتل رسیده اند.

دو هزار نفر در چینهاهاکا جمع شدند تا به پیکر بی جان بالدو سينگ مان اداي احترام کنند. رهبران حزب کمونیست هند و حزب کمونیست هند (مارکسیست) در مراسم تشییع جنازه وی شرکت کردند.

متن نامه بالدو سينگ که در آخرین روزهای زندگی اش نوشته شده، بسیار تکان دهنده است. زنان گروه گروه در دیدارها پارام چیت گروه هسراونامه آخر او را دست به دست می گردانند و می خوانند. این نامه را او برای دخترش در روز اول تولدش نوشته بود.

دختر عزیزم

ورودت رابه این دنیاخوش آمد می گویم. خبر تولد ترا مادر بزرگت امروز ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۶ بمن داد. مادر بزرگت خبر تولد ترا با شوق و هیجان بمن داد. البته اگر تو پسر بودی ماچرا فرقی می کرد.

چو خانواده از شنیدن خبر تولدتو چندان شورانگیز و شادمان نبود. عمات خبر تولد ترا با تحقیر بیان داشت، ب...ع...له دختر بدنی آمد.

این را می دانم که رفقا و دوستان همگرم از این خبر خوشحال خواهند شد. آنها نه تنها بمن تبریک

تدوین نخستین برنامه...

پقیه از صفحه قبل

رویزونیستها از آن نتایج به کلی نادرستی گرفته بودند، ثابت کرد که پیشرفت فنی کشاورزی آلمان برخلاف نظر بولکاکف "قبل از هر چیز پیشرفت واحدهای بزرگ" است که در پیوند شکستنی با آن، "پروولتریزه شدن و سلب مالکیت فزاینده از اهالی روستایی، افزایش شمار دهقانانی که کار چینی، برای آنها به منبع اصلی امرار معاش تبدیل می شود" قرار دارد.

لنین در طرح خود این مسئله اصولی را طرح کرد "چگونه می توان دقیقاً چنان خواستهایی را تدوین کرد که به حمایت از خرده مالکان در جامعه سرمایه داری منجر نشود". این مسئله اصولی، تنها برای تدوین برنامه دهقانی سوسیال دمکراتهای روس اهمیت نداشت. این گونه طرح مسئله، علیه گرایشهای اپورتونیستی ای بود که در آن زمان در صفوف سوسیالیستهای آلمانی و فرانسوی وجود داشت و قبلاً به آن اشاره کردیم.

مانده است. برده و مطیع بودن زن محمول. اجتماع فئودالی و سرمایه داری است.

دخترم پدرت در راه براندازی آن نظام اجتماعی مبارزه می کند که داشتن دختر تنگ به حساب می آید. اشخاص زیادی هستند که داعیه مترقی و انقلابی بودن دارند ولی من سوگند خورده ام که زندگی و اعمالم با گفته هایم یکی باشند. آن کنم که می گویم.

دختر عزیزم، من برای آن نظام اجتماعی مبارزه می کنم که فقر و تهیدستان رها شوند و زنچیر بردگی از هم بگسلد.

هدفم مبارزه برای بهتر کردن شرایط زندگی میلیون ها نوجوان گرسنه، زنانیکه برای زنده بودن شرافت خود را می فروشند و دهقانانیکه عرق ریزان کار می کنند و کمرشان از زور قرض دوتا شده است می باشد.

فرزند عزیزم، زمانی بدنیا آمده ای که سرزمین بزرگ پنجاب به خاطر اختلاف طایفه ای در حال تقسیم است.

تعدادی را به خاطر نداشتن ریش و سبیل به قتل می رسانند. تعدادی را به خاطر داشتن مو روی سرشان زنده زنده می سوزانند. تحت لوای مذهب، انسانیت را خرد و نابود می کنند.

دختر عزیزم، پدرت در حال مبارزه با آن نیروهای زشت و تاریک اندیشی است که هدفشان نابودی نور است و در حال توطئه چیدن برای از بین بردن خورشید حیات بخش هستند.

از خود گذشتگی والا و شهادت بهای مبارزه در این راه است. من مطمئن نیستم که خشم این تاریک اندیشان گریبان مرا بگیرد

علیه چشم پوشی از تدوین خواستهایی به منظور جلب دهقانان به عنوان متحدان طبقه کارگر نیز بود.

لنین در برنامه دهقانی طرح خود خواستار آن شد که حزب سوسیال دمکرات کارگری از دهقانان "تاجایی که آنها به مثابه طبقه ای که بیش از همه از بی حقوقی خلق روسیه و بقایای سراز در جامعه روسیه رنج می برد، قادر به مبارزه انقلابی بر ضد حکومت مطلقه هستند"، پشتیبانی کند. هدف این حمایت، این نبود که املاک کوچک دهقانان حفظ شود، بلکه مناسبات و نهادهای اربابی در روستا که بویژه دهقانان از آن رنج می بردند، محو و به مبارزه طبقاتی خصلت آشکارتر و آگاهانه تری داده شود. از این رو لنین پیشنهاد کرد که در برنامه، تدابیری جهت محو "همه بقایای وابستگی ارباب - رعیتی دهقانان به ملاکین"، از جمله پس دادن اراضی غصب شده دهقانان، پیش بینی شود.

به نظر لنین، برنامه حزب می بایستی این شرایط را داشته باشد: خصلت بنیادین رشد اقتصادی روسیه را روشن کند؛ ۲- نشان دهد که سرمایه داری به افزایش فقر و خشم کارگران می انجامد؛ ۳- نشان دهد که مبارزه طبقاتی منهای جنبش سوسیال دمکراتیک را

و فردا توسط آنان کشته نشوم.

هر اتفاقی که بیفتد دخترم، تو به داشتن پدری افتخار خواهی کرد که بر علیه نیروهای چهل، مرگ و نابودی مبارزه کرده است.

دخترم، شاید نتوانم تمام شرایط و احتیاجات ترا و وظایفم بعنوان پدر را برآورده کنم، ولی گنجینه گرانی داشته آرمش بزرگترین سرمایه تو خواهد بود.

تو شعله آن چراغی هستی که از آن دانش و روشنایی برمی خیزد. هشیار آن باعنان باش که هدفشان غرق انسانیت در دریای خون است.

من ایمان دارم و مطمئن هستم که مبارزه مردم ما پیروز است. امیدوارم تو این دوران دشوار زندگی توده های مردم ما را نهیانی. امیدوارم، ما با مبارزه خود بدر سیستم جدیدی را پیفشانیم که فردا فرزندانی چون تو به آزادی تنفس کنند.

اگر در طول عمرم موفق به این کار نشدم، دخترم، کوشش کن در صف مبارزین برای عدالت و حقیقت جای خود را پیدا کنی.

من آرزو دارم سیک، بودایی و یا مسلمان باشی. در درجه اول سعی کن انسان باشی. اجازه نده این تقسیم ها خصوصیات انسانی ترا و تقوای انسانی ترا خدشه دار کند.

با این چند کلمه، من ترا بعنوان پدر مخاطب قرار داده ام. امیدوارم این پندها را قبول کرده بکاربندی.

شاید این نوشته ها سنگ بنایی باشد که زندگانت را بر آن بنانی.

یک سرباز مبارز خلق پدرت بالو او سینگ مانی ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۶ از روزنامه مورینگ استار هفتم ژانویه ۱۹۸۶

تشکیل می دهد؛ ۴- به خصلت بین المللی جنبش اشاره کند، اهداف نهایی جنبش را نشان دهد و تسخیر قدرت سیاسی را به عنوان شرط ضروری تحقق آن تعیین کند؛ ۵- خصلت سیاسی مبارزه طبقاتی را برجسته کند؛ ۶- نشان دهد که حکومت مطلق روس، مانع اصلی در برابر جنبش کارگری، و از این رو کسب آزادی سیاسی و وظیفه مقدم حزب است؛ ۷- نشان دهد که حزب از همه احزاب و اقشار مردمی دیگری که با حکومت مطلقه مبارزه کنند، حمایت خواهد کرد؛ ۸- خواستهای اصلی دمکراتیک را بر شمارد؛ ۹- خواستهایی به سود طبقه کارگر و ۱۰- خواستهایی به سود دهقانان را شامل شود.

طرح های برنامه و سایر نوشته های برنامه ای لنین در سالهای ۹۰ قرن پیش نشان می دهند که تدوین این اصول راهنما، پیوندی ناگسستنی با مبارزه بر ضد جریان خلق گرایی لیبرالی، "اکونومیس"، "مارکسیسم قانونی" و برنشتاینی گری داشت. از این رو این فعالیت لنین بطور مستقیم به غلبه بر نفوذ بورژوازی در جنبش کارگری و انسجام ایدئولوژیک و سازمانی اعضای ج. س. د. ک. ر. نیز باری رساند. (بخش دوم در شماره آینده)

اعطای جوایز نوبل

جایزه صلح نوبل برای سال ۱۹۸۷ به اسکار آریاس سانچز، رئیس جمهور کاستاریکا داده شد. کمیته فروزی جایزه نوبل، این تصمیم را در روز سه شنبه ۱۲ اکتبر اعلام کرد. علت این تصمیم، کوششهای آریاس در راه برقراری صلح در آمریکای مرکزی اعلام شد. آریاس مبتکر طرح گواتمالاست که در هفتم اوت سال جاری، به امضای روسای جمهور ۵ کشور آمریکای مرکزی، از جمله نیکاراگوئه و السالوادور رسید.

آریاس پس از دریافت جایزه نوبل اظهار امیدواری کرد که کنتره آمریکا اعطای کمک ۲۷۰ میلیون دلاری به ضد انقلابیون نیکاراگوئه را تصویب نکند.

جایزه پزشکی نوبل به یک دانشمند ژاپنی داده شد که تحقیقات سودمندی در زمینه سیستم دفاعی بدن داشته است. جایزه نوبل در فیزیک را یک دانشمند سوئیسی و یک دانشمند آلمانی به علت تولید سیرهای جدیدی که جریان برق را بدون مقاومت عبور می دهد، از آن خود کردند. جایزه نوبل در شیمی به دود دانشمند فرانسوی و آمریکایی داده شد.

کاهش شمار نیروهای ویتنامی در کامبوج

ترین ژوان لانگ، سخنگوی وزارت خارجه ویتنام، در روز پنجشنبه ۱۵ اکتبر در هانوی اعلام کرد در ماه نوامبر بخش دیگری از نیروهای داوطلب ویتنامی از کامبوج فراخوانده خواهند شد و بدین ترتیب شمار این نیروها که از سال ۱۹۷۹ در کامبوج به سر می برند، به نصف کاهش خواهد یافت. این اقدام ویتنام در شرایطی صورت می گیرد که چشم انداز آغاز مذاکرات میان دولت کامبوج و گروههای مخالف پدیدار شده است.

اعتصاب بزرگ در فیلیپین

کنگره اتحادیه های کارگری فیلیپین که بیش از یک میلیون عضو دارد، در روز جمعه ۱۶ اکتبر اعتصاب توده ای بزرگی برای به کرسی نشاندن افزایش حداقل دستمزد سازماندهی کرد. این اعتصاب علیرغم ممنوعیت آن توسط دولت آکینو، برگزار شد. علاوه بر کنگره اتحادیه های کارگری، "جنبش اول ماه مه" نیز که یک سازمان صنفی بزرگ کارگران است، هفته گذشته اقدامات اعتراضی و اعتصابی در سراسر فیلیپین انجام داد.

اخبار کوتاه

● کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به منظور تدارک کنگره سیزدهم حزب که در روز ۲۵ اکتبر در پکن کنشایش خواهد یافت، در روز ۲۰ اکتبر تشکیل جلسه خواهد داد.

● پی پی ژوکن سخنگوی پیشین حزب کمونیست فرانسه به تصمیم کمیته مرکزی، از حزب اخراج شد. وی اعلام کرده است در انتخابات ریاست جمهوری، خود را کاندید خواهد کرد. حزب کمونیست فرانسه، آندره لاژوانی را نامزد احراز مقام ریاست جمهوری کرده است. پی پی ژوکن در آخرین کنگره حزب کمونیست فرانسه به علت مواضع رویزیونیستی و انتسابگرانه از رهبری حزب کنار گذاشته شده بود.

جنگ خونین میان نیروهای هند و چریکهای تامیل

سلاحهای سبک و خمپاره در اختیار دارند.

نیروی ۶ هزار نفره هندی پس از موافقت نامه کلمبو میان دولت های هند و سری لانکا در سری لانکا مستقر شد. هند در صدد است هزارتن دیگر بر این نیرو بیافزاید.

در نبرد جافنا تاکنون صدها تن از هر دو طرف کشته شده اند. بیش از نیمی از ساکنان جافنا، در محابد، کلیساها و مدارس پناه جسته اند. مواد غذایی در شهر به سختی یافت می شود.

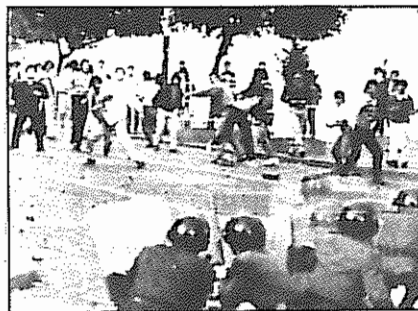
تظاهرات در فلسطین اشغالی

نقطة شروع تظاهرات در فلسطین اشغالی، حملات فاشیست های اسرائیلی به مسجد الاقصی بود. پلیس اسرائیل با پرتاب گاز اشک آور به سوی مردم فلسطینی، به سود فاشیست ها در درگیری دخالت کرد. حزب کمونیست اسرائیل، تحریکات فاشیستی اخیر را گامی جهت نافرجام گذاشتن تلاش های جاری برای فرخواندن کنفرانس بین المللی خاور نزدیک دانست. سخنگوی حزب اعلام کرد اینگونه تحریکات بیش از همه توسط شامیر نخست وزیر و شارون وزیر صنایع و بازرگانی مورد تشویق قرار می گیرند.

دستگیری رهبران جنبش دانشجویی کره جنوبی

مردم را دعوت به تحریم انتخابات ریاست جمهوری در ماه دسامبر کرده اند. ایوژیسیون پورژوایی کره جنوبی، در مورد معرفی کاندیدای ریاست جمهور دچار اختلاف نظر شده است. کیم دای جونگ و کیم یونگ سام، رهبران اصلی ایوژیسیون پورژوایی، هر دو اعلام کرده اند که خود را نامزد احراز مقام ریاست جمهوری خواهند کرد. کیم دای جونگ، قصد دارد حزب جدیدی تأسیس کند.

قتل رهبر "اتحادیه میهنی" کلمبیا



درگیری پلیس و مردم کلمبیا

در روز یکشنبه ۱۱ اکتبر، خائیم باردولنال، رهبر "اتحادیه میهنی" که دربرگیرنده سازمانهای چپ کلمبیاست، به قتل رسید. این اتحادیه از هنگام تأسیس آن در سال ۱۹۸۵ تاکنون بیش از ۵۰۰ تن از مسئولین خود را بر اثر عملیات تروریستی بر علیه شخصیت های دمکرات، از دست داده است.

در اعتراض به قتل لئال، مرکز وحدت زحمتکشان، بزرگترین اتحادیه کارگری کلمبیا، در روزهای سه شنبه و چهارشنبه ۱۲ و ۱۴ اکتبر، اعتصابی سراسری برگزار کرد. این اعتصاب، زندگی اقتصادی کلمبیا را فلج کرد. در جریان خاکسپاری لئال، در روز سه شنبه درگیری های سختی میان مردم و پلیس روی داد که به کشته شدن سه تن انجامید. هزاران تن از شرکت کنندگان در تظاهرات، دولت کلمبیا را مسئول قتل لئال که از رهبران حزب کمونیست کلمبیا نیز بود، دانستند. بیش از ۲۰ هزار تن، در مراسم تشییع جنازه وی شرکت کردند.

"اتحادیه میهنی" در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۶ توانست به موفقیتی دست یابد.



هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شده به عشق

ستایش نبی‌ش، ستایش زندگی است، چه خود اوستايشگر زندگی بود. درست یکماه پیش از آنکه زندگیش را بسان تیری به قلب شب پرستان پرتاب کند، عشق خود را به زندگی و آئین آن چنین تصویر کرده بود: "نه انسان و نه زندگی متوقف نمی‌شوند، هیچ جا هیچ وقت. و آرمانها و هدفهای والای انسانی و تلاش برای زیستن، و خوب زیستن، حد مرز و حدود و ثغور نمی‌شناسد..."

همانگونه که می‌کوشیم تاحصار زوری که در مرز کشورمان کشیده‌اند، بقیه در صف چه؟

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «کار»:
۱۶ مارک	۱۴ مارک	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۳۰	۲۷		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «اکثریت»:
۳۶ مارک	۳۳ مارک	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۷۰	۶۴	☐ يك ساله	
۱۳۸	۱۲۵		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 179
MONDAY, 19 OCT, 87

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید



تدوین نخستین برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه

به پیشواز هفتادمین سالگرد اکتبر بزرگ

آمد و نیرو گرفت. حزب به پیروی از این برنامه در راه پیروزی انقلاب بورژوا - دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی در روسیه باموفقیت مهارزه کرد.

آغازی با روند تدوین نخستین برنامه لنینی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه (ح. س. د. ک. ر.)، آشنایی با بخشی از گنجینه مارکسیسم - لنینیسم، آشنایی با یکی از بزرگترین سلاحهای بلشویکها در تدارک انقلاب در روسیه است. بدین منظور، «اکثریت» در دو شماره، فصلی از کتاب «برنامه حزبی انقلابی - وحدت کارگری انقلابی» را که به همین موضوع اختصاص دارد، درج خواهد کرد. این کتاب توسط جمعی از دانشمندان اتحاد شوروی و آلمان دمکراتیک تالیف شده است.

در کتاب تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی پیرامون تصویب نخستین برنامه لنینی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه آمده است: «کنکره برنامه ای را که "ایسکرا" تهیه کرده بود تصویب نمود... این برنامه حاصل مطالعات نظری مارکسیستهای روس بود که برخی از تژهای مهم آن مانند ارتباط متقابل مهارزه بخاطر دمکراسی و مهارزه در راه سوسیالیسم و نقش رهبری طبقه کارگر در این مهارزه کنکرنه مارکسیسم را جدا غنی تر ساخت. این برنامه سیاست مارکسیستی پیگیر حزب را تعیین نمود و به پرورش پرولتاریا با روح مهارزه انقلابی در راه دستیابی به قدرت یاری کرد. حزب می‌توانست به برنامه خود حقا افتخار کند. حزب بلشویکها بر پایه همین برنامه پدید



حزب کارگر آلمان" و "در باره نقد طرح برنامه سوسیال دمکراتیک ۱۸۹۱" نقش ویژه ای داشتند. لنین در تدوین برنامه حزب همچنین از اسناد برنامه ای سوسیال دمکراسی بین المللی، به ویژه برنامه ارفورت، استفاده کرد.

لنین از سالهای ۹۰ قرن پیشین، تدارک برنامه حزب را آغاز کرد. گوامی بر این امر، آثار تحت عنوان بقیه در صفحه ۱.

تدوین برنامه حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه، بخش مهمی از مهارزه لنین در راه یک حزب، ارکستی طراز نوین طبقه کارگر بود. لنین با تکیه بر میراث تئوریک م. مارکس و انگلس، برای تدوین برنامه، تجارب جنبش کارگری همه کشورها را که در مارکسیسم تئوریک یافته بود، مبنی قرار داد. در این بین، آثار برنامه ای مانند "مانیفست حزب کمونیست"، "حاشیه هایی بر برنامه

کارگاه هنر ایران

دعوت به همکاری از هنرمندان

کارگاه هنر ایران، که همواره در راستای اشاعه هنر متمدنی کوشیده و بهر شیدائی شورانگیز هنرمندان متعهد اتکا داشته است، تاکنون با بهره گیری از خلاقیت های هنری هنرمندان توانسته است پاسخگوی و تقایف خویش باشد و در حد توان، تلاش بر حاصل هنرمندان راه هنر دوستان عرضه نماید.

کارگاه هنر ایران در ادامه کار بیگیرانه خود در صدد است که انتشار سلسله نوارهای "فراتر از سرود" را بپذیرد و در این راستا نیاز به همکاری شعرا، استنساژان، نوازندگان، خوانندگان، طراحان و هنردوستان دارد، تا با ارائه آثار، نظرات و پیشنهادات خود، کارگاه هنر ایران را در پیشبرد این وظیفه ارزشمند یاری رسانند.

کارگاه هنر ایران

۱۷/۱۰/۸۷

BOX 7054
16307 SPANGA
SWEDEN

آدرس کارگاه هنر ایران: